



دانشگاه صلاح الدین - اربیل

ترجمه‌ی (سه داستان کوتاه از کتاب نیمه تاریک ماه)
اثر هوشنگ گلشیری

پایان نامه جهت دریافت درجه‌ی کارشناسی
در رشته زبان و ادبیات فارسی

پژوهشگر:

شرمین جبار کاظم

استاد راهنما:

ارسلان سلیم محمود

۲۷۲۳ کوردی

۲۰۲۳ میلادی

۱۴۰۲ شمسی

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	پیشینه تحقیق
فصل اول: کلیات و تعاریف	
۴	زندگی‌نامه و آثار هوشنگ گلشیری
فصل دوم: ترجمه داستان‌ها	
۷	چنار
۱۳	زیر درخت لیل
۱۹	مردی با کراوات سرخ
۳۳	فهرست منابع

– مقدمه

« نیمه تاریک ماه » از مجموعه داستان‌های کوتاه هوشنگ گلشیری نویسنده‌ی معاصر ایرانی است. وی این اثر را حاصل تمام تلاش و زحمات خود در عرصه‌ی داستان کوتاه می‌داند. این مجموعه در برگیرنده‌ی داستان‌های اوست که از سال (۱۳۳۹) تا (۱۳۷۷) به نگارش درآمده است. قرار بود در ابتدا این مجموعه در هنگام حیات او به صورت مجله‌های جداگانه، داستان کوتاه، رمان و نقد منتشر شود ولی متأسفانه با توجه به مرگ نویسنده این اتفاق میسر نمی‌شود. داستان‌های این مجموعه به ترتیب تاریخ مرتب شده‌اند.

ما در این پایان نامه به ترجمه سه داستان کوتاه از این مجموعه پرداخته‌ایم، داستان‌ها عبارتند از چنار، زیر درخت لیل، مردی با کراوات سرخ. راوی داستان چنار مردی را نقل می‌کند که از چنار کهنسال چهارباغ به علت نامعلومی بالا رفته است و مردم پایین آن را نگاه می‌کنند. مخاطب چیزی درباره این شخصیت نمی‌داند و حتی انگیزه‌اش را نمی‌داند. مردی هم که زیر درخت چنار جمع شده‌اند هر کدام بیانگر تیپ خاصی از اجتماع هستند که بسیار ضعیف عمل می‌کنند و حتی از تیپ هم تنزل می‌کنند و به گفتگوهای سطحی تبدیل می‌شوند. زیر درخت لیل در واقع داستانی سفرنامه طور است، درباره‌ی دیدار راوی داستان با درختی اسرارآمیز و سحرکننده در جنوب که آرزو را برآورده می‌کند. در داستان‌های گلشیری مرز مشخصی میان خیال و واقعیت وجود ندارد، داستان میان حال و گذشته و آینده جاری است. که این شیوه‌ی نوشتار سیال ذهن گفته می‌شود. آثار گلشیری همچنین از آرمان‌های سورئالیسم نیز بهره‌هایی برده‌اند. علاوه بر این داستان‌های او از رئالیسم جادویی پیروی می‌کنند.

در داستان کوتاه مردی با کراوات سرخ، می‌توان توانمندی خیره‌کننده‌ی گلشیری را در شخصیت پردازی مشاهده نمایید. فردی که اداره‌ای (احتمالاً امنیتی) وی را مأمور تعقیب شخصی به نام آقای س.م. کرده است. داستان در طول گزارشی روایت می‌شود که مأمور برای مافوق خود می‌نویسد. در این داستان مثل اکثر داستان‌های انتقادی، سازمانی امنیتی که با استخدام مأمورین خود در زندگی خصوصی مردم دخالت می‌کنند و به دنبال علامت مشخصه آنها برای بازجویی هستند تقبیح شده‌اند. اما پای خواننده به هیچ عنوان در مسیر رسیدن به این نتیجه از خارهای شعار و مستقیم‌گویی زخم برنمی‌دارد.

- پیشینه تحقیق

شخصیت و روحیات گلشیری را سخت می‌توان از کار نویسندگی او جدا کرد. خود او هم دوست دارد با کارهایش قضاوت شود و می‌گوید «من از آن دسته نویسندگانی هستم که آنچه زندگی میکنم را می‌نویسم.» زیرا وقتی داستان‌های مجموعه نیمه تاریک ماه را می‌خوانیم در واقع جریان شکل‌گیری شاکله‌ی روحی او را در سالهای زندگی می‌بینیم. از جاه طلبی تکنیکی و فرمی در آغاز تا رسیدن به دوره‌ای که میل به گفتن شکایت‌ها در دل داستان‌ها بر جاه طلبی‌ها غلبه می‌کند. از نظر فرم بخش بزرگ داستان‌ها دارای ژانر (واقع گرایی مدرن) هستند، داستان کوتاه زیر درخت لیل به صورت خاطره، و مردی با کراوات سرخ به صورت گزارش اداری نوشته شده‌اند و ما نیز همانطور آنها را ترجمه کرده‌ایم، اما داستان کوتاه چنار مانند تعداد کمی از داستان‌های این مجموعه دارای پایانی منفی و بدبینانه است.

فصل اول

کلیات و تعاریف

- زندگینامه

هوشنگ گلشیری در ۲۵ اسفند ۱۳۱۶ در اصفهان دیده به جهان گشود ، هنگامی که ۵ سال داشت به همراه خانواده‌اش به شهر آبادان رفت ، زیرا پدرش از کارکنان شرکت نفت بود. به باور گلشیری اقامت در آبادان در شکل‌گیری حیات فکری و احساسی او تاثیر فراوانی گذاشته است. بسیاری از کسانی که در شرکت نفت کار می‌کردند با وجود شغل‌های طاقت فرسا درآمد کمی داشتند و فقیر بودند. مواجهه‌ی گلشیری با چنین فقرعریانی بر جهان بینی او اثرات فراوانی گذاشت. اقامت در آبادان تا سال ۱۳۳۴ و سن ۱۸ سالگی‌اش به طول انجامید. پس از پایان تحصیلات مدرسه، گلشیری برای تحصیل در رشته ادبیات فارسی به دانشگاه اصفهان رفت.

گلشیری در جوانی به سرودن شعر علاقه پیدا کرده بود اما خیلی زود دریافت که علاقه‌ی چندانی به شعر ندارد و از همان اوایل دوران نوجوانی به داستان‌نویسی روی آورد. یکی دیگر از کارهای ماندگار گلشیری ، پایه‌گذاری حلقه‌ی ادبی **جنگ اصفهان** به همراه نویسندگان همفکری چون **محمد حقوقی** و **ابوالحسن نجفی** بود. گلشیری به علت خواستگاه طبقاتی‌اش با سیاست بیگانه نبود. آشنایی او با تعدادی از شخصیت‌های سیاسی منجر به دستگیری او در دهه چهل شمسی شد و او چند ماهی را در زندان گذراند. گلشیری مجددا در سال ۱۳۵۲ به زندان افتاد و پس از آزادی با محدودیت‌هایی روبرو شد و دیگر اجازه پیدا نکرد که به عنوان معلم در اصفهان ادامه دهد. پس از حضور در تهران به کمک برخی دیگر از اعضای جنگ توانست به زندگی خود سامان بدهد و امکان برگزاری جلسات ادبی برایش مهیا شد. و به کمک **بهرام بیضایی** در سال ۱۳۵۶ این امکان را پیدا کرد تا به صورت قراردادی در گروه تئاتر دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران مشغول به کار شود و تدریس کند.

گلشیری در تابستان ۱۳۵۷ برای چند ماه به آمریکا رفت و در آستانه‌ی انقلاب اسلامی به ایران بازگشت. او همواره نویسنده پرکار و فعالی بود جلسات آموزش داستانش پس از انقلاب و حتی در سال‌های جنگ نیز ادامه داشت. در دهه‌ی پایانی عمرش کار روزنامه‌نگاری را ادامه می‌داد و سر دبیر مجله ادبی **آدینه** بود. همچنان سفرهای خارج از کشور داشت و در همایش‌های ادبی گوناگونی شرکت و سخنرانی می‌کرد. نهایتاً در ۱۶ خرداد ۱۳۷۹ بر اثر بیماری در سن ۶۲ سالگی در تهران درگذشت.

پس از فوت این داستان‌نویس بنیاد **هوشنگ گلشیری** به منظور حمایت از فعالیت‌های ادبی او و ادامه دادن به راهش تشکیل شد. این بنیاد جایزه‌ای به نام جایزه گلشیری را برای اهدا به آثار ادبی برجسته در نظر گرفته است. این جایزه به صورت سالیانه و در زمینه ادبیات داستانی به آثار منتخب اهدا می‌شود.

– آثار نویسنده

- مجموعه های داستان های کوتاه :
- مثل همیشه (۱۳۴۷)
- نمازخانه‌ی کوچک من (۱۳۵۴)
- جبه‌خانه (۱۳۶۲)
- پنج گنج (۱۳۶۸)
- دست تاریک دست روشن (۱۳۷۴)
- نیمه‌ی تاریک ماه (برگزیده آثار- کتاب اول ۱۳۸۰)

داستان های بلند:

- شاه سیاه پوشان ()
- حدیث ماهیگیر و دیو (۱۳۶۳)

رمان‌ها

- شازده‌ی احتجاب (۱۳۴۸)
- کریستین و کید (۱۳۵۰)
- بره‌ی گمشده‌ی راعی (۱۳۵۶)
- معصوم پنج یا حدیث مرده بردار کردن آن سوار که خواهد آمد (۱۳۵۸)
- در ولایت هوا، تفننی در طنز (۱۳۷۰ در سوئیس)
- آیین‌های دردار (۱۳۷۰)
- جن نامه (۱۳۷۶، نشر باران ، سوئیس)

فیلم‌نامه

- دوازده رخ (۱۳۶۷، انتشارات نیلوفر)

آثار غیر داستانی

- ویرایش گلستان سعدی نسخه‌ی تصحیح شده‌ی محمد علی فروغی (۱۳۶۱)
- باغ در باغ مجموعه‌ی مقالات (۱۳۷۸)
- در ستایش شعر سکوت (دو مقاله بلند درباره شعر)
- جدال نقش با نقس، بررسی آثار سیمین دانشور (از آتش خاموش تا سووشون)

فصل دوم

ترجمه‌ی داستان‌های

چنار ، زیر درخت لیل ، مردی با کراوات سرخ

- چنار

دومه و ئیواره بوو که پیاویک سهر دهکه و ته سهر یه کیک له چناره کانی شه قامه که ، هه ردوو دهستی به ئارامی له گریکانی درهخته که گیر دهکرد و پینه کانی له دوری چناره که دهئالاند و به قهدی وشک و رزای چناره که دا هه لده گه را. له پشته وهی ناوگه لی دوو پینه ی ناته با درکه و تبوون و بنی تاکه پیلایوکیشی درابوو.

ئه و خه لکه ی خه ریکی ته ماشا کردنی دوکانه کان بوون رویان وهرگیرا و سهیری چوونه سه ره وهی پیاوه که یان کرد. خانمیکی گه نج که باسکه بلورینه کانی دره خستبوو دهستی کوپه خرپنه که ی گرت و خه ریکی سهیر کردنی پیاوه که بوو که زیاتر و زیاتر به سهر چناره که دا هه لده گه را. گه نجیکی بالابه رز به دوو په نجه ی دهستی راستی گریی بوینباخه که ی شل و توند کردو سه رنجی دایه پیاوه که، دواتر رووی وهرگیرا و نیگای به سهر باسک و سینه ی خانمه گه نجه که دا خزاند.

کونه کانی ئاسمان به چهند په له هه وریکی سپی و چلکن پینه کرابوون تیشکی رهنگ زهردی هه تاویش نیوهی قهدی چناره که ی روناک ده کرده وه، پاوه که که شه پقه یه کی له سه ربوو به سه رسورمانه وه پرسی «بوچی به سه ر ده که وئ؟» پیاویکی خرپن و ورگ زل که له پالیه وه وهستا بوو له ژیر لیوه وه به بۆله بۆله وه وتی: «نازانه له وانه یه شیت بیت!»

گه نجه که گوتی: «نا شیت نیه ، له وانه یه بیه وهی خوی بکوژیت!». پیاویکی بالا به رزو قه له و که پرچی پیشه وهی سه ری وهریبوو به ناره زاییه وه وتی: «چون ئه ی که سیک که خوی ده کوژیت شیت نیه؟ که واته ده فهرموون عاقله؟!»

پاسه وانیک له ناو چه شاماته که دا سه ری دهره ئتاو به دهنکه گنه که یه وه پرسی: «چی بووه؟» به لام هیچ که س وه لامي نه دایه وه، ته نیا سهیری سه ره وه یان ده کرد. پیاوه که تازه له سینبه ره که تیه پری بوو و خوړه تاو به سه ر قاته خو له میتشیه که ی ده خلیسکا. پاسه وانه که له هه لگه رانی پیاوه که ئه ویش له رۆژی روناک توورهبوو، داره کی ناو دهستی گوشی و هاواری کرد: «هه ی باگیر! وهره خواره وه! چی ئه که ییت له و سه ره وه؟»

پیاویک که تازه له ناو چه شاماته که دا شوینی خوی ده کرده وه دهستی کرد به پیکه نین . پاسه وانه که رووی وهرگیرا و زهق زهق سهیری کرد و دهستیکی به داره که یدا هیتا و دووباره چاوه بچوو که کانی که وته وه سه ر چه شاماته که ، دواتر دهستی کرد به بۆله بۆل: «چی روویداوه مه گه ر نان و حه لوا به ش ئه که ن؟» له و کاته دا چهند که سیکی پالنا و گه رایه وه سهیری پیاوه که ی کرد که گه یشتبووه سه ره وه ی چناره که. به دوو په نجه ی دهستی راستی نووکی سمیلی که قورسایي خستبووه سه ر لیوی سه ره وه ی بادا و به بیده نگي وهستا.

ژنیکی شریپوش که مندالیکی به کوله‌وه بوو له‌ناو حه‌شاماته‌که دانیشته؛ ده‌ستی بو به‌رده‌می یه‌کیک دریژ کرد ووتی: « کاکه ده (شا) بی » به‌لام که بینی هه‌مووان سه‌یری سه‌ره‌وه ده‌که‌ن ئه‌ویش نیگای به‌تالی خزانده سه‌ر دره‌خته‌که. چلمی مناله‌که‌ی وه‌کو دوو کرمی سپی تا سه‌ر لیوی خواره‌وه‌ی شو‌ربو بووه‌وه .

ژنیکی عه‌با له‌سه‌ر که دوو مندالی قه‌د و نیوقه‌د به‌دوایدا رایان ده‌کرد، له‌وبه‌ری شه‌قامه‌که‌وه رایکرد بو ئه‌مبه‌ری شه‌قامه‌که وه کاتیک پیاوه‌که‌ی له‌سه‌ر چناره‌که بینی ووتی: « ئه‌ی خوا بمکوژی! چی ئه‌کات له‌وسه‌ره‌وه ؟ گه‌نجی خه‌لکی ئیستا ئه‌که‌ویت! » هیچ که‌س وه‌لامی نه‌دایه‌وه؛ ژنه سوال‌که‌ره‌که ده‌ستی دریژ کرد بو به‌رده‌م پیاویکی چاویکه له‌چاو که به وردیه‌وه سه‌یری پیاوی سه‌ر چناره‌که‌ی ده‌کرد ووتی: « به‌ریز ده (شا) بی » منداله‌که‌ی به‌چاوه ره‌ش و بچووکه‌کانیه‌وه چاودیری خه‌لکه‌که‌ی ده‌کرد و به‌نووی زمانی چلمه‌که‌ی ده‌لیسیه‌وه . ده‌سته پیس و زه‌رده لاوازه‌کانی رئه‌وه‌شاند . چهند تال پرچی بژ له‌ژی‌ر له‌چکه سپیه پیسه‌که‌یه‌وه ده‌رکه‌وتبوو، به‌سه‌ر روخساری دا بلاو ببوه‌وه. ژنه سوال‌که‌ره‌که عه‌باکه‌ی سه‌ری چاکرد. له‌چکه چلکه‌که‌ی که پرچی ئه‌شارده‌وه به‌قولابه‌یه‌ک له‌ژی‌ر قورگی توند بیوو.

پیاوه چاویکه له‌چاوه‌که به‌ناسپای ووتی: « وا چاکه یه‌کیک بجیته سه‌ره‌وه و بیگری تا خو‌ی نه‌خاته خواره‌وه ».

گه‌نجه‌که ووتی: « نابیت هه‌تا یه‌کیک بگاتی ئه‌و خو‌ی فری‌داوته ناو شه‌قامه‌که » دواتر به‌ژنه

سوال‌که‌ره‌که که له‌پیشی وه‌ستابوو گووتی: « ورده‌م لانیه. »

ئوتومبیله‌کان یه‌ک له‌دوای یه‌ک له‌سه‌ر شه‌قامه‌که ریزیان ئه‌به‌ست. له‌ناو یه‌کیک له‌ئوتومبیله‌کانی پیشه‌وه سه‌ری هینابوو ده‌ره‌وه و سه‌یری پیاوه‌که‌ی ده‌کرد که خه‌ریک بوو له‌سه‌ر چناره‌که ده‌جولا. پیاویکی ورگ زل که بوینباخیکی پان له‌ژی‌ر قه‌میسه‌که‌یه‌وه هه‌لواسرابوو له‌ئوتومبیله‌که هاته خواره‌وه و له‌حه‌شاماته‌که نزیک بووه‌وه. چهند پاسه‌وانیک گه‌یشتن و به‌ناو خه‌لکه‌که بلاو بوونه‌وه. به‌لام خه‌لکه‌که په‌رش و بلاو بوون و دوباره کوبوونه‌وه . پیاوه قه‌له‌وه بوینباخ له‌مله‌که له‌پاسه‌وانه به‌سمیله‌که‌ی پرسى: «چی بووه ئه‌وه هه‌تیوه له‌سه‌ر ئه‌و چناره چی ده‌کات؟» پاسه‌وانه‌که به‌ترسه‌وه هه‌ردوو پاژنه‌ی پیی به‌توندی دا به‌یه‌که‌وه و سلای کرد.

دواتر له‌ژی‌ر لیوه‌وه ووتی: « جه‌نابی مقدم ده‌یه‌ویت خو‌ی بکوژی‌ت! » خه‌لکه‌که سه‌ره‌تا چاویان برییه پیاوه به‌سمیله‌که و دواتر پیاوه قه‌له‌وه شیک پۆشه‌که و دواتر دوباره سه‌رقالی سه‌یرکردنی پیاوه‌که بوون که له‌سه‌ر داره‌که چامه‌بووه‌وه. له‌پشت حه‌شاماته‌که‌وه ده‌نگی رۆژنامه فرۆشیک به‌رز بووه‌وه: « به‌په‌له‌ی ئه‌مرۆ! کوشتنی دوو ژنی به‌دره‌وشت به‌ده‌ستی گه‌نجیک به‌په‌له یه‌ک قران! » دواى ماوه‌یه‌ک ده‌نگی رۆژنامه فرۆشه‌که نه‌ما.

بیروکه یهک هات به میشکما سهرم هه لبرې و هاوارم کرد: «هی مامه ئیمه لیره بره پاره یهکت بو کۆئه کهینه وه له کهری شهیتان وهره خواره وه.»

دهنگم له ناو حه شاماته که یا ون بوو دواتر دهستم خسته گیرفانمه وه و دوو دانه یهک تمه نی زیو بهر په نجه کانم که وت، پاره کانم دهرهیتا و فریمدایه بهر پیم یه کیک له پاره کان خلوربو وه و له ژیر پینی حه شاماته که ون بوو خه لکه که پالیان به یه کتره وه نا تا پاره که دۆزرایه وه. ئه وکات ههر یه کیک دهستی خسته گیرفانیه وه و سکه یه کی خسته سهر پاره کان، پاره کان ده که وتنه سهر یهک و زرینگه زرینگیان ده هات.

پیاوه خرپنه که ههر چه ند له گیرفانه کانیا گه را هیچ پاره یه کی نه دۆزیه وه. دواتر له سه رخۆ به لام به شیوه یهک که من بییستم ووتی: «ئهی له و بیشانسیه! ورده شم پی نیه.» ژنه عه با له سه ره که توره گه چلکنه که ی له ناو گۆره و بییه که ی دهرهیتا و دوو دانه ده (شای) رهش هه لگه پراوی لی دهرهیتا و خسته سهر پاره کان.

له ناکا و دهنگی پیاوه که له بهرزایی درهخته که وه وه کو دهنگیک له بنی چالیکه وه بگاته گوی له گویی خه لکه که زرینگیه وه: «من خۆ پارهم ناوی..... پاره کانتان ببهن له سه ره قه بری بابتان خه رچی بکه ن!» دهنگی رایده چله کاندی به لام وا دیار بوو ده له رزی. ئیتر که س پاره ی فری نه دا ژنه سوال که ره که له پاره کان رامابوو، دواتر له ناو خه لکه که دیار نه ما پیاوه شیک پۆشه که شتیکی به پاسه وانه به سمیله که ووت پاسه وانه که گه پرایه وه و روو له سه ره وه هاواری کرد: «هی مامه وهره خواره وه جه نابی مقدم ئاماده یه یارمه تیت بدا.»

ئه فسه ریکی کورته بالا که سمیلکی ته نک له سه ره لیوی دهرکه وتبوو له پشته وه پالی به خه لکه که ده نا ده یانی هیتا و ده یانی برد کاتیک گه یشته پی شه وه به سه ره پاسه وانه کانا هاواری کرد: «خیرابن ئه مانه بلاوه پی بکه ن!»

دهنگی پیاوه که له بهرزایی درهخته که وه خزایه خواره وه: «ههی قور به سه رتان من سه ده قه م ناویت.»

ئه و ئه فسه ره ی تازه گه یشتبوو سهیری سه ره وه ی کرد و دواتر له پاسه وانه کان که به وریاییه وه راوه ستابوون پرسی: "چی ئه کات له و سه ره وه؟"

یه کیکیان له ژیر لیوه وه ووتی: «دهیه وی خوی بکوژی!» ئه فسه ره که گوتی: «باشه، خۆ کوشتن کۆبوونه وه ی ناوی ده ی ئه مانه بلاوه پی بکه ن!» دواتر رووی کرده خه لکه که و هاواری کرد: «به پیزان چی روویدا وه؟ بلاوبنه وه!» له م کاته دا له ناکا و چاوی به جه نابی مقدم که وت، خوی کۆ کرده وه و به وریاییه وه وه ستا و سلای کرد.

پاسه وانه كان به ناو حه شاماته كه يا بلا و بونه وه. دهنگى فيكه ي پۆلىسى هاتوچۆ كه به زۆر ئوتۆمبيله كانيان ناچار به رۆيشتن ده كرد له گويى مروڤدا گژه ي ده هات. پاره كان به ژير پيى خه له كه كه يا ده رۆيشتن و هه نديكيان چه مابونه وه و كويان ده كرد وه.

ژنه گه نجه كه كه شويني تهنگ ببوو منداله كه ي هه لگرت و له ناو حه شاماته كه چوونه ده ره وه كوره گه نجه كه ش به دواي ئه وه وه ديارنه ما ، يه كيگ له پشتي سه ريه وه به منگييه وه، قيراندى: «چۆن ئه كرى بيگرن؟ بو توپى كاشييه؟»
دواتر ده سره كه ي خسته پيش لووتى و به توندى چه ند فينگيكي تيكرد خه لكى مۆرهيان ليكرد به لام ئه و گويى پينه دا ده سره كه ي لولدا و خسته گيرفانيه وه و دوباره سه رنجى سه ره وه ي دره خته كه ي دا.

له لايه كى ديكه ي حه شاماته كه وه، گه نجىكي چوار شانه كه جگه ره ي ده كيشا وتى: «ئه گه ر بشكه ويته دوان سيانىك ئه فه وتينيت، به لام وه ك بليى هه ر به خه ياليشيدا نايات سه يرى خه لكى ده كات!» دواتر به و پياوه ي له پشتيه وه پالى ئه نا ووتى: «مامه بوچى پال ئه نيت؟ مه گه ر ناتوانيت به ريكي رابوه ستى؟»
پياويك كه منداليك به كولييه وه بوو هه ولى ئه دا منداله قژره ده كه ي تيبگه يه نيت كه له و سه ره وه چى روئه دات: «بابه گيان سه يرى ئه و سه ره وه بكه له سه ر چناره كه دانيشتووه!»

له ملاتر پياويكى قه دباريك خوى به گوڤاريك كه وينه ي خانميكي سينگ شوشه ي و دهم به خه نده ي له سه ر بوو باوه شين ده كرد، له پشتي چناره كه وه خه لكى به سه ر شانى يه كتره وه مله قوته يان ده كرد. ئوتۆمبيله كان يه ك له دواي يه ك تيده په رين و سه رنشينه كان له وديو جامى پاسه كانه وه سه يرى سه ره وه ي چناره كه يان ده كرد. پۆلىسى هاتوچۆ به رده وام فيكه ي ليده دا و چه ند پاسه وانىك له ناو حه شاماته كه دا تليان ده خوارده وه.

دهنگى گالته ئاميزى گه نجىك له پشت حه شاماته كه وه به رزبوه وه: «كابرا به خه يالى خوى چنار ئيمام زاده يه رۆيشتووه داواي مرازي بكات!» دوباره هاواري كرد: «بابه گيان

نه كه ويت په نجه گه وره كه ي قاچت ئه چيته به چاوت!» چه ند كه سيك مۆرهيان ليكرد

گه نجه که دهنگی نه ما هه ندیکیان تاک تاک بۆله یان کرد و له ناو حه شاماته که چوونه دهره وه.

ئه وانهی تازه گه یشتبوون ده یانپرسی: « کاکه چی بووه؟ » دواتر سهیری سه ره وهی چناره که یان ده کرد. روناکیه کی که م به سه ره عه موده کانا تیپه ری ، چهند پاسکیل سواریک له جاده که ی ئه و به ره وه پیاده بوون و ده هاتن بۆ ئه مبه ره ، پۆلیسی هاتوچۆ دووریانی ده خسته وه. جار جاره دهنگی دابه زینی هه وای پاسکیل له که شه که دا ده هاتوو نه ده ما، دواتر بۆله بۆلی پاسکیل سواریک له ناو گوئییه کاندای دهنگی ده دایه وه. پیاوی سه ره دره خته که جوله یه کی کرد و چه مایه وه، دواتر دهستی له یه کیک له گریکانی چناره که گیر کرد و دوباره له شوینی خوی دانیشته هیچ دهنگیک له حه شاماته که وه نه ده هات. هه مووان سهیری سه ره وه یان ده کرد. له ناو پیاوه خرپنه که به گویمدا چرپاندی : « ئیستا خوی ناخاته خواره وه چاره ری ئه کات تا ئیستا چۆل بیت. »

له سه ره حه شاماته که وه سه رم هه لبری بینیم ئوتومبیله کان رۆیشتن و شه قام تاراده یه ک چۆل بوو، به لام شوسته ی ناوه راست پرپوو له پیاده و پاسکیل سوار وه دهنگی چرپه چرپیان ده گه یشته ئه مبه ره وه . تاقه تم نه ما ، چهند جاریک ئه ملاو ئه و لام کرد و له کو تاییدا به ئه سته م له حه شاماته که چوومه دهره وه.

چهند کچیک له پشت حه شاماته که وه وه ستا بوون زۆر جوان بوو، خالیکی رهش له سه ره لیوی بوو. گه رامه وه سهیری سه ره وه م کرد، بینیم پیاوه که پشتی له شه قامه که کردبوو و سهیری ئه ملاو پشت دوکانه کانی ده کرد. ماندو و کاس، ته وای شه قامه که م بری. کاتیک

گه رامه وه بینیم حه شاماته که که متر بوه ته وه، به لام پیاوه که هیشتا له سه ره ترۆپکی داره که دانیشتبوو. هه ره له و نزیکانه بلیتیکی سینه مام کرپی و به ناو خه له که که یا ون بووم به لام به رده وام وینه ی پیاویک له سه ره پانتایی رهشی شه قامه که که وتوو و له هه ردوو کونه لوتییه وه دوو تالی باریکی خوین هاتوو دهره وه له بهر چاوم له هه وادا دروست ئه بوو دواتر دیار نه ئه ما . دوباره هه مان هه یکه لی شرپوش به سه ری شکاو میشکی پرژاوه وه له ناوه ندی شه قامه که رهنگی ئه گرت و زیندوو ئه بیته وه.

هیچ له فیلمه که تینه گه یشم کاتی هاتمه دهره وه، له شه قامه که بالندهش هه لنافری به لام دوکانه کان هیشتا کراوه بوون. حه شاماتی سهر شه قامه که بلاوبونه وه و شاگردی شوفیره کان به دهنکه گرکه یانه وه هاواریان ده کرد: « مزگه وتی جومعه، په هله وی، کاکه دیت...؟ خیرا که خیرا که.» که گه یشتمه لای چناره که بینیم ده وره بوری چۆله و پیاوه کهش له و سهره وه نابینرا . رووبه رووی چناره که دوو پیاو وه ستابوون و له گه ل یه ک قسه یان ئه کرد ، له یه کیکیان که ناوه راستی سهری موی پیوه نه بوو وه دهسته توکنه کانی تا ئه نیشکی هه لکردبوو پرسیم: « ببوره به ریز، ئه و پیاوه خۆی خسته خواره وه؟» پیاوه که به نیگای بیتاقه تی له روخسارم راماو ووتی: « به ریز تاقه تت هه یه؟ وه ختیک که بینی شه قام چۆل بووه هاته خواره وه ؛ ویستی بروات ...»

ئه و پیاوه ی له پال دهسته وه بوو که وه ک بلیی به حه وت مانگی له دایک بو بی ، پرسی: « به راست بو چوبوه سهر ئه و چناره؟» هاوړیکه ی وه لامی دایه وه: « نازانم ، له وانیه ویستبیتی خۆی بکوژی دواتر په شیمان بوه وه.»

شاگردی دوکانه که که کورپکی گنج بوو به دم پیکه نینه وه سهری له دوکانه هینایه دهره وه و ووتی: « پیده چیت سهری فیلمی کرد بیت!»

پیاوه که به بیتاقه تیه وه ووتی: « شه یتان به له عنه ت بی حه رام زاده جارئ ئه بی له کونجی زیندان تیپه رینی تا ئیتر هه وه سی فیلمی به لاش نه کات!»

سبه ی به یانی چند کارمه ندیکی شاره وانی چناره به ته مه نه که ی شه قامی « چهارباغ» یان ده برییه وه.

– له ژېړ درهختی ههنجیره رهشه

(ههنجیره رهشه) درهختیکی سهیره چلهکانی هه مووی به شیوهی بنجی، تال تال چونه ته ناو خاکه که وه و هه ندیک جاریش چهند بنجیکی لیک ئالوسکاو وهک ئه وهی کوته رهیه ک یان تاشه به ردیک بن به قه ده که یدا هاتوونه ته خواره وه. گه لاکانی پان و ئه ستورن ، میوه که ی بندوق ئاسایه به لّام له رهنگی سوری جه رگی. ته نانه ت له یه که مین بینیندا ئه و خه یالّه ی که وا درهخته که ش ئیمه ئه بینیت مروّقی ده ترساند. پیشتریش بینی بووم به لّام تاک و ته ریک بوو، به لّام له (کیش) له ناوچه ی عه ره به کان له هه ردوو لای لادیکه سی چل دانه ی لی بوو. زهویه که یان به مه به سستی بوّری پراکیشان هه لکه ندبوو ئیمه بوّ ئه وهی بگه یینه لای درهخته کان ناچار بووین پینج شه ش جار به سه ر خه نده که قوله کان بازدهین.

چوار که س بووین من و ئه حمه د و دوو دانه موحه مه د عه لی . ئه حمه د بازارگان بوو. یه کیک له موحه مه د عه لیه کان شاعیر بوو ئه ویتریان چیرۆکیشی دهنووسی . ئیستا بووه به شاعیری درهختی ههنجیره رهشه.

من چیرۆک نووسم ، به لّام ئه وهی خه ریکم دهنووسم چیرۆک نییه ، سه فه نامه ش نییه . باسی چاوپیکه وتنه له گه ل درهختی ههنجیره رهشه ، وادیاره ئه گه ر درهخته که ش بینوسیایه که چوّن ئیمه ی بینی ، هه ر به م شیوهیه دهنووسی.

ئیمه له سه ر بانگیشتی ئه حمه د رویشتبووین بوّ کیش . دوو روژ بازاریمان کرد، زیاتر شتی ورده مان کړی : چهند جووت گوره وی و یه ک دوو پانتولی کابو و دوو سی کراس و چهند جوّره که لوپه لیکي جوانکاری ئافره تان. بازاریه که شمان تا نیوه روّی روژنی دووهم ته واو بوو، دوا ی نیوه روّی روژنی دووهم چووینه ناوچه ی عه ره به کان. له که نار ده ریا له ناو پاشماوه ی توژیالی به جیماوی «که رسه ر» هکان چهن دین قه پیلکی گه وره ی سه ده فم دوژییه وه ، یه ک دوو دانه شه ی تانوکه ش که یه کیکیان وهختیک ئه منا به گویمه وه ، گویم له دهنگی ده ریا ده بوو.

من دانه یه ک له شه ی تانوکه کانم ئیستاش لا ماوه. مروّف که له که نار ده ریا قه پیلکی شه ی تانوکه ئه نا به گویمه وه ، وا بیرده کاته وه که کاردانه وه ی دهنگی ده ریا یه ، به لّام ئه ی لیّره چی که ئه توانی ئه وه نده دوور له ده ریا گویت له و دهنگه دهنگه بیت ؟ ده زانم به لگه یه کی زانستی بوونی نییه، به لّام من پیماویه قه پیلکی وشک و پته وی شه ی تانوکه له م شاره دوور له ده ریا یه ش نوقمی خه یالی ده ریا یه که که خه ون ده بین، وه کو شاعیر که خه یالی درهخته که تاریکی کردوه.

خودی درهخته که ش هه ر به م شیوهیه بوو سی چل دانه زیاتر نه بوون، گوتم به لّام به قه ولی موحه مه د عه لی شاعیر وهک بلئی سه ره تا هه شت پایه ک که وتووته که نار که وه و ره گی داچه قاندوه ، و دواتر به یانی یان دوانیوه روّیه ک یه کیک له لقهکانی دریژ کردوه و درهختیکی تری له زهویه که دا چه قاندوه.

دواتر له ناکاو بیرم کرده وه ناشی درهخته کانش ئیمه یان له بیر بمینی! ، ئیمه هر چوارمان خه ریک بووین به لایاندا تیپه ر ده بووین و پرسپاری ریستوران تیکیمان ده کرد که خواردنی « کووسه ماسی» ی هه بوو؟ شوینیکی ته ریک و بیده نگ بوو چهند کورسیه کی گه وره له دهره وه بوون سن چوار میزیش له ناو ریستورانته که. من نه متوانی ته نانه ت یه ک شیش «که بابی کووسه» ش بخوم. ته واو چه ور بوو، خه یالی ئه وه ی ئه م «کووسه ماسی» یه ی ئیمه ده مانخوارد لاتیکی خوارد بیت دلمی تیکده دا که له ناکاو باسی درهخته که هاته پیش . به ردهستی ریستورانته که گوتی: « بیری لی مه که نه وه! سه ره تا خراپ نییه مروّف هه موو رابردووی له بیر ده چیت؛ به لام دواتر ئیتر خوی له ئیخه ی مروّف نابیته وه. من خو ئه وهنده ی نه مابوو شیت بم .

ئه سفه هانی بوو دوو سال بوو هاتبوو که هاتبوو بو کیش و نیشته جی ببوو. موحه مه د عه لی شاعیر ووتی: بوچی خه ریکبوو شیت بیت؟

«هر باسی درهختی هه نجیره ره شه م ده کرد ، بو نمونه کاتیک شتومه کم ده دایه ده ست کپیاره کان ده که وته مه بیری ئه م درهختانه. له کو تاییدا هاتم و لی ره بووم به شاگرد. « ناوی مورته زا بوو . موحه مه د عه لی که چیرۆکیشی دهنوسی پیداکری کرد که وا بوچی ری که وتوو کیش.

ووتی: «ئه شق ، کاکه ، ئه شق ! «

پیکه نی به دهنگی به رز . ئینجا تیگه ی شتم که وا کاتیک سه به ته ی نان یان په رداخ یان ساردی هیناوه هر چهند خوله ک جاریک بزیه کی کردوو ، بزیه کی شاراوو و له ناخه وه . موحه مه د عه لی دوباره ته نگ پیهه لچنی : «که واته لی ره ئاشق بوی، ئاشقی یه کی که له م میوانانه ی که به مه بهستی بازاری کردنه اتوون؟ «

ووتی: «ئی کاکه، کچی پورم بوو ، بو من داندرا بوو چی پی ده لین؟ پیکه وه گه وره ببوین به لام کاتیک که له به ره ی جه نگ گه رامه وه بینیم داویانه به یه کیکی تر. منیش هاتم بو ئیره تا دوور بم له و شوینانه ی که وا پیکه وه رویشتون و ئه و که سانه ی که بینیبووم. « دوباره پیکه نی به هه مان شیوه به شاراووی و له ناوه وه.

کاتیک که چهند کپیاریک هاتن ئه و رویشت و ئیمه ش هه ر باسی درهخته که مان ده کرد. هر یه کی که به شتیکی ده چواند. مورته زا که گه رایه وه سه ر میزه که ی ئیمه ووتی: «من که عه رزم کردن، جادوو له بنیاده م ده کات ، ناهیلیت بیر له شتیکی تر بکاته وه. « دیسان پیکه نی ، جو ریک له شیتی مروّفیکی گه مژه له پیکه نینه که یدا بوو. پیموایی ئه حمه د شتیکی ووت ، وه کو : «کچه پور... « یان « ئیستا ئیتر...؟» که مورته زا ووتی زور کاری لیم کردبوو ، کاکه ئه م درهخته له سه ره تادا زور یارمه تی دان کوره پوره راستگو که م برای (کچه که) منی هینا بو ئیره. ده یووت: « ئه م درهخته موعجیزه ئه کات، چهند روژیک به یانی زوو له ژیری دانیشی له بیرت ده چیت. « منیش

هاتم ئه وهنده شتی ترم هاته وه یاد، چاک له بیرم کرد. ئیستا سوپاس بو خوا باشترینم ، ئیمه شه رکهری له 40% ین کاکه.

که هاتینه دهره وه بینیمان دوو کورسیه گهره که ی بهردهم ریستورانته که له ژیر سیبه ری درخته که دایه.

گهره ترین درهختی دوورگه که بوو ، ئه وهنده گهره بوو که ریستورانته که یان له ژیر لقه کانی دروست کردبوو وه ئیستاش بنجه هه لواسراوه کانی وه کو ته لاشی دست یان لاقیکی په ریوو به سه ربانی ریستورانته که شو ربیوه وه.

ئیواره بوو خوری مه زن و سوور له سه ر روی بی شه پۆلی ده ریا نیشتبوو. شه و باران باری و ئیمه له هه مان ژوری هوتیله که ماینه وه و هه ر یه کیک باسی له خوشه ویستیه کانی کرد، ئه زمونه دوورده کان یان باشتر بیلیم زامگه لیک ی بی ده رمان که هه نووکه له ژیر پیسته وه بوون و گیتم و خوینیان تیانه بوو ، به لام ئه گهر به ر شوینیک بکه وتنایه هاواریان له مروف هه لده ستاند. سبه ی به یانی زوو به ته نها هاتمه دهره وه. یاداشتیکم جیهیشتبوو که وا ده روم پیاسه ده که م. به ته کسی تا نزیک یه کیک له خه نده که کان رویشتم .

که شه که هه وراوی بوو ته نانه ت ده توانی دست له سازگاری که شه به دیت. ریستورانته که داخرابوو درهخته کانی تریش له پشت مالله کانی دینه که وه بوون. وایرم کرده وه که ئه گهر له گه ل کچه پوره که شی هاوسه رگیری کردبایه ، دیسان و اباشتر بوو به اتایه و له ژیر یه کیک له م درهخته کان دانیشتایه.

له ژیر یه کیک له درهخته کان دانیشتم. جگه له و کومه له ره گه ی که له ناو خاکه که بوو، یه ک دوو دانه ره گی له یه ک ئالاویش وه کو سه ری ئه ژنو یان ده ستیک که له ژیر چه ناگه مشته کوله کراییت له هه وادا هه لواسرابوو . ئیستا که ئه مه ده نووسم ده زانم بوچی میوه ی درهختی هه نجیره ره شه سوری جه رگییه . هه ر له بهر ئه مه ش ده نووسم تا وه کو ئه گهر که سیک گرفتاری رویشتوو هه کانه، پیش ئه وه ی برینه که ی لی پیس بیته ، پیش خوره لات یان خور ئاوابوون خوی بگه یه نیته سیبه ری هه نجیره ره شه.

پیموایه موحه مه د عه لی ماوه یه کی زور مایه وه که وا ئیستا ته نیا درهختی هه نجیره ره شه ده بینیت و ده نووسیت. له ژیر درهخته که به ریکی دانیشتم و لیگه رام هه وا هیواش هیواش سیبه کانم پرکات. هه وای ژیر درهخته که قورس بوو هویه که ی نه ئه و مژ یا شی یه یا ته نانه ت ئه و دوانه ئوکسیدی کاربونه نه بوو که درهخته کان له خور ئاوابوونه وه تا خوره لاتن ده یاندایه وه، به لگو هی ئه و چیرۆکانه بوو که له سه ده کانی پیشوو وه له ژیر درهخته که به هه لواسراوی مابوون: ئافره تیک ده یویست دست و ده موچاوی له بیر بکات که له ئاوی میرده که ی نقووم ببوو . هاواری وه کوده نگی دوری ده ریا له ژیر درهخته که به هه لواسراوی مابوو. مه له وانیکم بینی هاتبوو درهخته که یارمه تی بدات تا له بیری بکات که له کو تاییدا مروارییه که ی به قه د په نجه گهره که ی

لهناو سهدهفيك دهرهينا و بهيهكه مين كهشتي تا (بوشههر) رويشت، له (خور) وه بهراکردن تا بهردهرگاي موختار رويشت كه ئه وه تا ئه مهش (شير بههاي) كچه كه تان .

كاپتني كه شتيهك كه له ههرهتي پيري ئاشقي كويلهيهكي رهش پيست ببوو ، وه له شهرمي زاواكاني دهسته و داميني درهخته كه بوو كه دهنگي خرخالهكاني ناهيلايت بخهوم . گويم له دهنگي ژنيك بوو كه ههر له ژير ئه م درهخته ووتبوي : « دستم به دامينت ، ئه م جاره هاتووم جيهازي كچي دووهم ، (بهدری) بكرم ؛ بهلام چي بكم كه وا خه مي دلم لاي نه وه كه ي پورمه كه ئيستا ته نيا له ته له فونه وه گويم له دهنگي دهبيت. كچيكيش داواي لي ده كرد يارمه تي بدات ويته ي باوكي له بير بكات كه له ناو كفندا بينيبوي. كه هاوسه ره كه ي ووتبوي : « من ئيتر ماندوو بووم له وه ي ئه وه نده ده گري » ژنيكيش كه هه موو شه ويك زرخوشكه كه ي ده هاته خه ونى و ده يوت : « مه گه ر نه توت كه پياوان وه فايان نيه ؟ » ، سه ربازيكيش كه ناله ي هاوري زامداره كه ي ليته ده گه را بخه ويت. ياريد هه دريكي پزيشك كه پسپوريه كه ي ليداني دهرزي هه وا يان كحول بوو .

قورس بوو و وتم : هه نجيره ره شه ، به زه يت هه بيت ! من ناتوانم ئه مانه نانوسرين. شنه بايهك هه لي كرد و هه واكه ي گوړي. دووباره بينيم ، بو ئه وه ي بارم سوک بكم به شاراوه ي يه ك به يه ك باسم كرد. به بيرم ئه هينا يه وه و ئه مووت ، له بيرم نه ماوه ، ئيستا ئيتر بارم سوک بووه. ده بيت مروقه كان ببوري ، ته نانه ت ئه وه ي كه وا داوي هه ر پينچ شه ش قامچيه ك پارچه ئاو يته يه كي شكاوي به كراسه كه ي ده سرپه وه و دواتر ده چه ما يه وه و ده ستي ده خسته پيش ده مي قوربانيه كه تا بزانيت هيشتا هه ناسه ده دات يان نا.

من ئيستا ئيتر له گه ل دنيا ئاشت بوومه ته وه . هه موو كونج و كه له به ريكي بيره وه رييه كانم ، به جوان و ناشرين يان تال و شيرينه وه به درهخته هه نجيره ره شه گه وره و بچوكه كانه وه رازاندوه ته وه. ئيستا له هه رسي لاي ژووري دانيشتن كه ئه وه هه موو ميوانه ي ليته يه ك دره ختي هه نجيره ره شه بو جوانكاري داندراوه . له گه ل ئه م دره خته بوو كه وا باسي رابردووم كرد. به يانيه كه ي له ته له فونه وه گويم له دهنگي دووري ده ريا بوو ، كاژمي ريكي ته واو ته نيا دهنگي ده ريا ده هات . شه وه كه ي دره خته كه له ژووره كم بوو ، له سه ر ته ختيكي تاكه كه سي خه ووتبوو، له بيرمه به يانيه كه ي كه به خه بهر هاتم له وي نه ما بوو، به لام قول و باسكم بوني (شيله) ي هه نجيره ره شه ي گرتبوو ، ئيستا هه نديك جار له روژيشن دا ديته وه يادم. قورسه به باري ئه وه هه موو كه سه وه كه وا روژيشتون ، چيروكي هه موو ئه و ريوارانه ي كه بهر له خو ره لاتن يان خو رئاوا بوون له ژيريا دانيشتون . هه نديك جاريش ده ستي له ده وري ملم ده ئاليني ت ناسكه و ميوه تفته كه شه ي سووري جه رگيه . دويني شه و هاتوو له ده وري ملم ئالاند و تا قولاي ئاوه كه رايكيشام . ده مخكنيني ت ، ده زانم، له گه ل ئه وه ش سوک بوومه، بووريومه، ئيوه ش ئه گه ر بتانه وه ويت ده توانن ببورن ، مروف زه وي نيه ناتواني ت باري ئه م هه موو تالييه به كولي بكيشيت. ئيستا باري ته واوي ناخوشيه كاني من له ژير يه كيك له و دره ختانه ي كيشه ، جا ئيتر خو ي ده زانيني ت.

ئەتوانى سىنبەرى بخاتە سەر ھەر كەسىك كە بىھوئىت ، چەندەھا كاتژمىر گوى بداتە چىرۆكى ھەر كەسىك كە بىھوئىت ، يان تەنانەت بىيىتە درەختى جوانكارى ناو خەونەكانى و لەسەر سەرىنەكەى بخەوئىت. كاتىك ھەستام بىنىم مورتهزا روبەرۆم لەسەر تەپۆلكەى خەندەكەكە دانىشتووھ. منىش پىكەنىم. وەختىك كە باوھشم لىنى دا ، ووتى: بىنىت كاكە من چى دەكىشم؟ نەمپرسى بۆ ئەوھى دووبارە نەبىتەوھ بارى سەر شانى. دەنگى ھاوپىيەكى زامدار كە لەبەردەم سەنگەرە كەوتبىت، ئەگەر بەردەوام بىتەوھ يادى مرۆف تەنانەت تامى خورئاوابوونىش تال ئەكات.

ووتم: شەرمەزارم ، مورتهزا.

ووتى: دوژمنتان شەرمەزار بىت.

ھەردووكمان پىكەنىن. تا بەردەم رىستورانتهكە لەگەلى رۆيشتم. ھەر باسى خاوەن رىستورانتهكەى بۆ ئەكردم ، باسى ئەو ژنانەى كە لەم ناوھەببوو وە يەك دوو دانەى تر كە لەم بەندەرە يان لەو بەندەرەى تر ھەببوو. منىش ووتم كە سبەى دەپۆين . ووتى : ئەگەر بە قسەى من دەكەيت مەگەرپۆھ شتىكى باش نىيە مرۆف ھەموو رابردووى تەنيا ھەنجىرە رەشەيەك بىت.

بەدەم كردنەوھى دەرگای رىستورانتهكەوھ ووتى: كاكە ئىمە رازى بووینە بەم كونجە ، ھەر ميوانىك تا ئىرە بىت لە ماسى بگرە تا كىسەل و (كەبابى كووسە) شى پىشكەش دەكەين. ھەر كەسىك دەبىت ئەو كارە بكات كە بووھ بە بەشى . لەوھ زىاتر بارى مرۆف گران دەبىت. بە نووكى گسك وردە پوش و خۆلى كونجەكانى كۆدەكردەوھ، خولەكى كرد تا پيالە چايەك پىكەوھ بخۆينەوھ. ئاماژەم بۆ بنمىچى رىستورانتهكە كردوو ووتم: لەو سەرەوھىە ئەى خۆت نەتووت نابىت زۆر ھۆگرى بىت ؟ پىكەنى ، ئازاد و رەھا وەكو مندالىك كە بى ھىچ خەمىك پىدەكەنى.

كاتىك گەيشتم كورەكان خەرىكى خواردنى نانى بەيانى بوون . موخەمەد عەلى ووتى: برىا منىشت خەبەر ئەكردەوھ. لەوھ لامىدا تەنيا پىكەنىم . دواى نانى بەيانى ئەوان رۆيشتن ، ئەحمەد دەپۆيشت بۆ سەيركردنى بازارىكى تازە كە دەيووت لاساى كردنەوھىەكە لە بىناسازى ھەخامەنشىەكان . وا برىار بوو كاتژمىر يەك لە رىستورانتي (مىرمىھنا) يەكتر ببىنن. ھەردوو موخەمەد عەلىيەكان خەرىكبوون دەپۆيشتن بۆ لای بازارى عەرەبەكان. موخەمەد عەلىيەكان نىوەرۆ نەھاتن. شەو تەنيا موخەمەد عەلى ئەوھى كە چىرۆكىش دەنووسى ، دەرکەوت ووتى: ونم كرد.

ئەحمەد ووتى: لىرە ئەگەر يەكىك بشىەوئىت ناتوانىت ون بىت. بۆ نانى ئىوارە ساندوويچىكى خوارد و دانەيەكىشمان بۆ موخەمەد عەلى كرى. چەند كاتژمىرىك لەكەنار دەريا پىاسەمان كرد و سەدەى و ئەستىرەى دەريامان كۆكردەوھ . كاتژمىر يەكى نىوہشەو بوو كە گەيشتىنەوھ ھوتىل، موخەمەد عەلى كلىلەكەى وەرگرتبوو ، كە چراى ژورەكەمان داگىرساند بىنىمان خەوتووھ. جانتاى

سهفه ره که ی ئاماده کردبوو و بلیت و ناسنامه که شی له سهر دانابوو . بلیته که ی گۆریبوو
یاداشتیکی له سهر میزه که دانابوو که، من چند پوژتیکی تر ده گهریمه وه، ئیوه برۆن.
به بیدهنگی جانتا کانمان به ستوو نووستین. ئەو شه وه خه ونم بینی که وا ئیستا ههنجیره ره شه
هاتوو باسی چیرۆکی خۆی بکات، کاتیک که ویستی هه مان ئەو شتانه بلیت که بۆیم باس
کردبوو له خه و راپهریم. بینیم موحه مه د عه لی له سهر لیواری جیی نوسته که ی دانیشتوو و
سه یرم ده کات.

و وتم: چی بووه؟

پیکه نی ، به و شیوه یه ی که مورته زا پیده که نی شاراو و له ناخه وه ووتی: باشی ژیان زیاتر
له وه دایه که مه رگیکیش له کۆتاییه که یدا هه یه.

و وتم: ئەگه ریش مرۆف بیه ویت ده توانیت له هه ر شوینیک کۆتایی پی بینیت .

ووتی : من ژیانم خۆشده ویت ته نانه ت ئەگه ر زه هایمه رش و ژیانی گیایی ده ست پی بکه م .
دوباره پیکه نی، گوتی: له تاران ده تبینمه وه.

و وتم: که گه یشتی ته له فۆن بکه .

ووتی: چی؟

دیسان پیکه نی ، دواتریش پال که وت ، به یانی له وئ نه بوو.

له کۆتاییدا موحه مه د عه لی هه فته یه ک دوا ی ئیمه گه رایه وه، من ته له فۆنم بۆی کرد دواتریش
چووم بۆ بینینی . خه ریک بوو کاری له سهر شیعریک ده کرد. ده یگوت: له م دوا ییانه دا هه ندیک
وشه م له بیر ده چیته وه ، جا ئەوکات ده بیت له ده ور به ری ئەو وشه یه شتی تر بینمه وه یاد م تا
خودی وشه که م بیته وه یاد.

له نیوان ئەو لاپه رانه ی که له به رده می بوو چند دانه یه کی جیا کرده وه و ووتی: وادابنی که سینک
ته نیا یه ک وشه ی له یاد مابیت. به ریکی دانیشتوو چند دیریکی بۆم خوینده وه ، ته نیا ده نگ بوو،
تیکه له یه ک بوو له پیته کانی له یل ویان خودی له یل یان لیل ، له یلی ، له یلا که هه ندیک جار ده بوونه
کار و جاری واش هه بوو ده چوونه شوینی بکه ر ، ته نانه ت شوینی ئامرازی خسته سه ر و
په یوه ندی.

ووتی: خۆ تیده گه یت . من ئەو مافه م نییه باری مرۆقه کان بخه مه وه سه ر شانیا ن . وه من پیموایه
هه ندیک جار ده نووسین تا له بیر ی بکه ین که له ناو ئیمه یه ، وه کو ئەم هه نجیره ره شه که
چوارمشقی دانیشتوو و له یادی نه بوو که سی چل دره ختی (هه نجیره ره شه) ی تری له
شوینیک بینوو.

- پياويک به بۆينباختيکي سووره وه

بهريز س.م دۆسيه ي ژماره (۱۲۳۵۶/۹) پياويکي قژ کورته. من دهرباره ي ئه وه هر ئه وه ندهم دهزاني و ئه وه ش که له وه دهچيت چاويلکesh له چاو بکات. دهتواني له وينه که دا روشانيکي باريک له سهر لوتي ببينيت. جگه له مانه هيچ ئاماژه يه کي تاييه ت له وينه که دا نه بوو. ناو نيشاني تهواوي ماله که ي له ناو دۆسيه که دا بوو: حه کيم قاناني ، کولاني ده ولت ، ژماره ۱۰ .

به ياني زوو رۆيشتم. هه لبه ت ده مزاني که کاسبکاره کاني گه ره ک، به تاييه ت ئه گه ر مروف بيه وي ت ناسنامه که ي نيشان بدات يان ته نانه ت ناو و پينگه که ي بلت به هيچ جوړيک قسه ناکه ن. قژم داهينا به تاييه ت به وردی سهرنجم دا تا بۆشايي ناوه راستي سهرم به چهند تاله پرچيک داپوشم. چهندين جار سميلم داهينا و له گه ل ئه وه ي دهرگاي ماله وه م داخست دووباره گه رامه وه تا به وردی سه يريکي سهر و رووم بکه م و ئه گه ر کرا گريي بۆينباخه که م ببينم.

ده بوو به ياني زوو برۆم. بۆيه به ته کسي رۆيشتم ، پاره ي ته کسيه که له هه ژماري مانگانه که پيشکesh به ژميرياري فه مانگه کرا ئاماژه ي پي کراوه. له فرۆشيار ي سهر ي کولانه که وه ده ستم پيکر د سهره تا پاکه تيک جگه ره م کري و دواتر شقارته يه ک. له هه ژماري مانگانه م ئاماژه م به ئه مانه ش کردوه ، چونکه وه کو ئه وه ي ئاگادارن من جگه ره م نه ده کيشا . کاتيک پاره که م دا سه د تمه ني بوو ، فرۆشياره که سهر ي لي شيوا ، گووتي : ئه مريکي ترتان هه يه ؟

گووتم: نا ، سوپاس. به لام ويستم بزانه م بهريز س.م که سيکي چونه ، هه لبه ته بو کاري خيره. «خه ريک بوو ناو ده خيله که ي ده گه را و ده تمه ني و پينچ تمه نييه لوچ و دراوه کاني له سهر يه ک داده نا ، گوتي: «ئاي بهريزم، ئه م کاک س.م ه کوا له ئيوه ده وه شيته وه ؟

گووتم: بو خوشکه زاي شيرييمه . خو ت ده زاني کچ ده بيت هه رچي زوو به چيته مالي خوي.

گووتي: ده زانه م ، به لام ئه خر ئه م کاک س.م ه ...

گووتم: به لي ؟

گووتي: هيچ ، ويستم بلیم و ابزانه م بي کاره ، مه به ستم هه ميشه له ماله وه ده مي نيته وه. ته نيا نيوه پروان دي ت بايي يه ک تمه ن په نير و دوو دانه پياز ده کريت وه دوو پاکه ت جگه ره له وانه شه شقارته يه ک دواي نيوه رۆيانيش

باقي پاره که ي دامه وه ، نه مژمارد. گووتي : بيژميرن.

گووتم: جوان نيه ، کاک حاجي.

گووتي: ئيوار انيش هيلکه ده خوات .

گووتم: هه ر ئه وه نده ؟

گووتي: به لي . پيده چي هه نديک شه و له دهره وه نان بخوات . به يانيان درهنگ دي ت و پياز و په نير ده کريت هه نديک جاريش پاکه تيک چاي.

باشه ، دهمتوانی له ریښی ئه مانه وه چی بزائم ؟ ئه گهر که سټیکي تر بوایه له وانه یه واییری کردبایه وه بهرپز س.م له شوینیکي تر نان دهخوات و دواتر جار و بار بو نه هیشتنی شوینه وار... یان هر پاره که ی له ریښه یه کی تره وه ... هر ئه مانه بوو ئیتر. به لام من که له گهل نانه واکه قسم کرد ته نانه ت له گهل که باب خانه که ی ئه و بهری جاده که ، تیگه یستم که به یانیاں دوو نان دهکریت و نیوه رۆ یان دوا ی نیوه رۆ ته نیا یه ک دانه. وه زور به ی کات تا ده گاته ماله وه هر به ریگاوه نیوه ی یه کی که له نانه کان دهخوات و هه ندیک جار درهنگ دیت و یه ک نان که ماوه ته وه بو شه و دهکریت .

ته نانه ت شوینیکي تر یان ریښه یه کی تری بو دست بلاوی نیه. هه لبه ت شه وان شتیک دهخواته وه، ئه وه ش سه ریښی سار دیه ک و جار جار له گهل لویا و هیشتا پیاله ی یه که می نه خوار دوته وه جگه ره که ی دا ئه گیر سینیت. به راستی جگه ره زور ده کیشیت به لام من نابیت باسی یاداشته کانی دواتر بکه م. ده یان هیلمه وه بو کاتیکي تر.

رۆژی دواتر رۆیشتم له ده رگای دراوسی که یانم دا ، ژنیک ده رگا که ی کرده وه ، قه له و بوو ، چاو و برویه کی ره ش ، ئاسه واری رهنگیکیش به روخساریه وه بوو. تاراده یه ک به که لک ده هات ، و اتا من به م ته مه نه وه باشه خو من ته خته دار نیم. گووتم: سلوات لی بیت ، خاتوون . ئیره مالی بهرپز س.م ه ؟

گووتی: نا بهرپز، ئه مه ی ته نیشه، ئیره مالی کاک....

ده شمزانی که وا مروفتیکي سه ر راسته . له دوسی هه کی جگه له ناو و نازناو و پیشه، ئاماژه ی تایبه ت به کلاو و سمیلکي ته نک هیچ شتیکي تر نه بوو . گووتم: داوای لیبووردن ده که م ، و اتا ئیستا له ماله وه نییه؟

گووتی: نازانم. ئه م هه تیوه زله ته نیا کاتیک دیته سه ربان ده زانی له ماله یان کاتیک...

گووتم: من له خزمه کانی ئه وم. وادیار بوو تینه گه یشت. گووتی: من چوزانم ؟ به یانیاں قه وانه که ی داناگیر سینیت .

گووتم: کاسیتی بیانی ده خاته سه ر؟

گووتی: به لی

گووتم: خو ئیوه بیزار ناکات؟

گووتی: نا، به لام وه ختیک که دیته سه ربان توخوا به کاک س.م بلین ئه وه نده له سه ربان پیاسه نه کات. زور قسمه مان کرد ، خو گووتم ژنه که شتیکي خراب نه بوو، گووتم: ده کری په یامیک ، شتیک

گووتی: به سه رچاو.

به لام من دامام که چی بلیم . تهنیا دهمویست بزنام له گهل ئەم ژنه هیچ له نیوانیاندا ههیه. به لام دواتر تیگهیشتم کهوا... جاری با بمینی بو دواتر. به لام ئەو شتانهی تیگهیشتم له گهل ئەو ژنه ئەمانه بوو:

- ۱- به پریز س.م له سهربان پیاسه دهکات. کهی ؟ کاته کهی دیار نییه . جگهرهش دهکشیت.
 - ۲- شهوان کاسیتی بیانی دهخاته سهر وه جاروبار خوشی گورانی دهلیت. دهنگیکی گری ههیه ئەم تاییه تمه ندییه دهتوانی ئاماژهیه کی بر واپیکراو بیت.
 - ۳- گلۆپه کهی تا درهنگ روناکه. هه موو شهویک؟ وا دیاره ئەم ژنه جاروبار بینویه تی.
 - ۴- ههر کاتیک که له دهره وه دیته وه چه ند کتیبیک له ژیر بالیه تی وه جگهره یه کیش به لیویه وه.
 - ۵- هاسه ری نیه.(ژنه که پیده که نی) که واته قوزه. مه به ستم کاک س.م ه . وینه که به وشیه وه نیشانی نادات . و اباشتره فه رمان بکه ن وینه ی دۆسیه که ی بگورن.
- مالئاواییم له ژنه که کرد . نازانم ده تانه ویت دۆسیه یه ک بو ئەویش دروست بکه ن یان نا؟ هه لبت بریار له ده ست خۆتانه . ئەگه ر دروستتان کرد تیایدا بنووسن که نیشانه ی تاییه تی خالیکه له لای چالی چه ناگه یه وه . چاوشی رهش بوو، لیوه کانی سوور بوو، شوخ و شهنگ بوو. عه باکه ی به رده وام له سه ری ده خزا و منیش مل و گه ردنیم ده بینی ، هه ندیک هه لکه وته یی سینه ی . کاک س.م پیاویکی به به خته .
- دراوسیکه ی من ئافره تیکی پاک داوینه و هه تیوه که ی میردی زور دهنوزیته وه . وا ده زانی من شتیکم له ده ست دیت . هه موو رۆژیک ده بیت کاریکی بو ئەنجام بده م . جا ژنه که شی برواداریکه که تهنیا چاویکی نه بیت ، شوینه کانی تری تهنیا میزده که ی و ده لاک ی حه مام بینویانه جاروباریش... به لی، بر و بکه ن له یه کجار زیاتر نه متوانی ، ئاخ ژنه که ناشرینه . ملیشی خواره ناوه راستی سه ری به ئەندازه ی بازنه یه کی نیوه تیره ۳ سانتیمی قژی پیوه نه بوو. به لام پا و پوزی خراپ نییه. نیشانه ی تاییه تیشی هه ر ئەو بازنه یه ی سه ری و خالیکه له لای ناوکی.
- چه ند رۆژیک دواتر ئەوم بینی ، ده وروبه ری خۆرئاوا بوون بوو مروقه کانی ئەم دونیا یه دوو دهسته ن: یان ئیواران ده توانن له ماله کانیان به ند بن و سه رقالبن به ژنه کانیان، مناله کانیان و جاروباریش له گهل کتیبه کان یان گوله کانی باخچه که یان. یاخود ده چنه دهره وه. ئەم جوړه مروقانه ده بیت له قه راخ شوسته کان یان قاوه خانه و سینه ما بدۆزیته وه. به پریز س.م له دهسته ی دووه مه. سه ره تا ئەوم نه ناسییه وه مه به ستم ئەوه یه دلنیا نه بووم، چونکه ریشیکی پرۆفیسوری هه بوو . وه چاویله که یه کی رهش و بۆینباخیکی سووری پان و پور و قاتیکی رهشی له به ربوو. پیلاوه کانیشی بۆیه نه کرابوون. وه ئیستا به بویرییه وه ده توانم بلیم کهوا به پریز س.م پانتوله که ی له ژیر دۆشه که که ی داده نیت و ته نانه ت تیبینی ئەمه ناکات.

من هر له بينى يه كه مه وه توانيم تيبينى دوو هيل بكم له سهر ئه ژنوى پانتوله كهى. هه لبه ت هيج كام له م دوو هيله ناتوانن نيشانهى تايبه تى ئه و بن. به لام چاويلكه و ريشى پرؤفيسورى و بؤينباخ، به لئى.

له بهر ئه وهى له و ماوه دوور و دريژه بهرده وام بهم شيويه بوو. ته نانه ت شه وانيش چاويلكه ره شه كهى له چاوه . ئه م سيما نهينى ئاميزه ي و ئه و چاوانه ي كه له پشت شوشه ي چاويلكه ره شه كهيه وه حه شار دراون له وانه يه وا هر كه سيك بكات بيرى خراپى لييكاته وه . به لام من وه ستام زور ئارام گرت.

ته نانه ت چه ندين جار ريساكانى فه رمانگه م به هيواشى دووپات كرده وه تا رازى بووم بوه ستم. پيشنيارى من بو هاوكاره كام ئه وه يه ريساكانى فه رمانگه له شيويه ناميلكه يه ك چاپ بكرىت و بخريته به رده ستيان. تا هه موو به يانيه ك جاريك پيدا بچنه وه. ئه م هه وه له ده بيته هوى ئه وهى هه م وره يان به رز بيته وه هه م خه مساردييه كانيان كه م بيته وه.

به ريز س.م دؤسيه ي ژماره ۱۲۳۵۶/۹ له لاي شوسته كه وه ده هات. كتيبىك له ژير بالى بوو كه به رگه كهى چه رمى بوو. نه متوانى بزانه م چ كتيبىكه يان چاپى چ ساليكه . كاتيك به ره و پروم ده هات چاوم پيكه وت زور فشارم خسته سهر ميشكم ، ته نانه ت سه يريكي وينه كه يم كرد كه له گيرفانم بوو تا ناسيمه وه ، ئه و وينه يه ي كه له دؤسيه كهى ليمكرد بوه وه. دوباره له وسه رى جاده كه وه گه رامه وه و له چوار ريانه كه وه ستام و چاوه ريم كرد.

به راي من ئه و كه سانه ي چاويلكه له چاون، به تايبه ت ئه وانه كه وا چاويلكه ي ره ش يان چاويلكه ي چاوكرى له چاو ده كن ، ترسناكترين و لايه نى كه م گوماناوى ترين مرؤفه كانن. له بهر ئه وهى ئيمه نازانين له پشت ئه و شوشانه وه چى ده گوزه رى و ئايا منى بينى يان نا؟ ئايا به وردى سه رنجى دا و ناسيميه وه؟ . هر به و هويه وه ناچار بووم كلاوه كه م به ده ستمه وه بگرم و بؤينباخه كه م لئ بكه مه وه و بيخه مه ناو گيرفانمه وه، تا دووباره بتوانم له نزيكه وه ريشى ، چاويلكه كهى و ته نانه ت بؤينباخه سووره كهى ... له راستيدا من نازانم به ريز س.م بوچى به ديارىكراوى سوور ده به ستيت له كاتيكدا به هيج شيويه كه له قاته كهى ناوه شيته وه. له وانه يه وا باشتربيت بؤينباخى زريشكى يان ته نانه ت نيلى به ستيت؛ و باشتره خوتان له كاتيكي گونجاودا ئه مانه بپرسن. له وانه يه هر ئه م دانه يه ي هه بيت. نازانم له بيرانان بيت كه بپرسن!

كاتيك به ره و پرووى رؤيشتم بينيم جگه ره يه ك به ليويه وه و به شوين شقارته ده گه ريت، شقارته كهى دؤزيه وه؛ رايوه شاندى و فرى دا و دوباره ده ستي كرده وه به گه ران . كاتيك كه ويستم ريك به ته نيشتيدا تپه رم و خهريك بووم ريساكانى فه رمانگه م له ژير ليويه وه دووباره ده كرده وه ؛ گووتى: به ريز، شقارته ت لا هه يه؟

من شقارته م پى نه بوو . هه لبه ت ئيوه ئاگادارن كه ئه و كاتانه جگه رهم نه ده كيشا. هر ئه و كاته تيگه يشتم بو يه كيكي وه كو من شقارته يان چه رخ و ته نانه ت پاژنه كيش، قه له م جاف و نينو ك بر

یه کیکن له پنیوینیته کان بو ئه وهی بتوانم له هه له گونجاوه کاندایه دست پیشخه ربم له قسه کردن .
تریق بوومه وه هر ئه و کاته رۆیشتم چه رخیکم کری. هه رچه نده نرخی چه رخ زور گرانه به لام
له هه ژماری مانگانه ئاماژه م پی نه کردبوو ، وام پی باش بوو وهک پی داویستیته کی که سی هه ژماری
بکه م. به لام کلاوه که م که تازه کریبووم ئاماژه م پی کردوووه.

له تهنیشت شوسته که یه وه وه ستابووم. چه شاماتیکی زوری لی بوو. به لام من که به دزیه وه
سه یرم ده کرد به ریز س.م م ده بینی که وا خه ریکه دیت. چه رکه که له ناو گیرفانم بوو یاریم
پیده کرد. جگه ره که ی به ریز س.م ته واو ببوو، ئه و جگه ره یه ی فریدا و دانه یه کی تری له گیرفانی
ده رهینا .

پیمواییته جگه ره کان ده رژیته ناو گیرفانی . کام گیرفان؟ دیار نیه. یان ئه وه تا به په نجه دانه یه ک
له ناو پاکه ته که ی دینیته ده ره وه. هیشتا ش له مه تینه گه یشتووم. دواتر دهستی کرد به گه ران له
ناو گیرفانه کانی هه مووی گه را ، ده یویست دوباره ده ست بکاته وه به گه ران تا ئه وه ی چه خه که م
ده رهینا و له پیشی رامگرت ، به لام شقارت ته که ی دوزیه وه و جگه ره که ی داگیرساند.

به ریز س.م له گه ل هیه که سیک به تاییته هاوری نییه یان هاوری هیه و من هیشتا نه مزانیوه
له گه ل کی. جار جار له گه ل هه ندیک که س سلوو و هه والپرسی ده کات . به لام کاتیک پی اوکی هیمن
و له سه رخو هه موو شه ویک بو پیاسه بروات و خه لکانیک هه بن که له هه مان کات ، هه موو
شه ویک له ئاراسته ی رووبه روو بین ، ئه وه نده یه کتریان بینیوه که بیگومان وا بیرده که نه وه که
ئه وه ی به رامبه ریان له ناسیاوه کانیان یان دوسته کوئه کانیانه که وا نیستا چاویلکه یه کی له چاو
کردوووه و ریشی هیشتوه ته وه، یان ژنی هیناوه بویه که رشی داناوه. هه ر له بهر ئه مه یه سلوو
له یه کتر ده که ن و ته نانه ت هه ندیک جار سه ره رای ناوی یه کتریش نازانن ده وه ستن و سلوو و
هه والپرسی له یه کتر ده که ن. باسی گرانی خواردنه وه و خراپی که ش و هه وا و ته نانه ت
بومه له رزه که ی ئه م دوا بیانه ده که ن، هاوکات له کاتی قسه کردن په یتا په یتا کاک، کاک دوباره
ده که نه وه. یان هه ر بیر له وه ده که نه وه که کابرا ناوی چیه. ئه مانه به ره می ئه زمونه که سیه کانی
من. من له م ناسیاوانه ی سه ر شه قامم زوره که سالانیکه سلوو کردنمان هه یه له گه ل یه کتر.

به لام ته نیا جیاوازی من له گه ل به ریز س.م ئه وه یه که من ناوی هه موو ناسیاوه کانی سه ر شه قام
ده زانم به لام ئه و نازانیت یان نایه ته وه یادی. شه ویک که سه رنجم دا تیگه یشتم که هه ندیک جار
ئه م ناسیاوانه ی شه قام به لای دا تیده په رن، ته ماشای ده که ن و له شکوی شیوه ی راده چله کین
و سلوو ده که ن به لام ئه و گرینگیان پی نادات و ده پروات . کابرا ده گه ریته وه و پرووی گرژ ده کات،
تاویک ده وه ستیت و له وانیه گری بی بوینباخه که ی چاک بکات و دواتر ده پروات. و سبه ی شه و که
دوو باره چاویان به یه ک ده که ویته ویت دوور نییه به ریز س.م سلوو بکات و کابرا دوباره
را بچله کیت و به شله ژاوییه وه دهستی بو دریز بکات ، ئه و کاته راده وه ستن و چه ند خوله کیک
هه والی یه کتر ده پرسن.

چهند شهو دواتریش دوباره به پیشیدا تیپه‌ریم. به‌لام هیچ پرووی نه‌دا. یان جگه‌ره‌ی ده‌کیشا یان شقارته‌که‌ی دهرده‌هینا و جگه‌ره‌که‌ی داده‌گیرساند. تا ئه‌وه‌ی له‌کۆتاییدا وازم له‌هه‌موو شتیکی هینا و به‌دوایدا پویشتم بو ریستورانته (سه‌عدی) هه‌ر ئه‌وه‌ی که له‌سه‌ره‌تای شه‌قامی (جامی)ه نابیته‌ ئه‌م ریستورانته له‌بیر بکه‌یت، بیگومان هۆکاریکی هه‌یه که به‌ته‌نیا ده‌چیت بو ئه‌وی. منیش پویشتم. به‌پریز س. له‌لای میزی پیشوازیه‌وه راوه‌ستا بو. منیش له‌لای دیواره‌که‌وه له‌پشت میزیک دانیشتم و بیره‌یه‌کم داواکرد. هه‌لبه‌ت ئه‌مه له‌ناو ریساکانی فه‌رمانگه‌ ئاماژه‌ی پین نه‌کراوه که که‌سیکی وه‌کو من له‌کاتی ئه‌رک خوارده‌نه‌وه بخواته‌وه. به‌لام من به‌تایبه‌ت ناچار بووم هه‌ر له‌به‌ر ئه‌مه‌ش بوو داوای بیره‌م کرد نه‌ک عاره‌ق. کاتیک که‌سیک بیره‌ بخواته‌وه بیگومان قسه‌کانی خۆی ده‌کات یان لایه‌نی که‌م ده‌کری له‌نیوان ئه‌و قسانه‌ی که ده‌یکات شتیکی تیپه‌گه‌یت. به‌لام ئه‌گه‌ر ئیمه‌ بخۆینه‌وه زۆریش بخۆینه‌وه، جا خۆ، ده‌زانن، به‌هۆی ته‌نیاپی و ئه‌وه‌ی که ناتوانین له‌گه‌ل ئه‌وانی تر ببینه‌ هاوپی، له‌وانه‌یه چه‌نه‌بازمان بکات.

به‌پریز س.م په‌یتا په‌یتا په‌رداخه‌ بیره‌کانی ده‌خوارده‌وه و ساردی و یه‌ک دوو که‌وچک لۆبیای ده‌کرد به‌سه‌ریدا. کتیبه‌که‌ی له‌سه‌ر میزی پیشوازی دانابوو. مه‌سنه‌وی (مه‌ولانا) بوو ئه‌ویش به‌رگی دووهم چاپی (بروخیم). پارچه‌ کاغه‌زیک له‌به‌ینی کتیبه‌که‌ هاتبووه دهره‌وه. کاتیک که جگه‌ره‌ی یه‌که‌می ته‌واو کرد جگه‌ره‌ی دووهمی نا به‌لیویه‌وه و به‌شوین شقارته‌ گه‌را. نازانم بوچی کاتیک ده‌یه‌ویت به‌شوین شقارته‌ بگه‌ری سه‌ره‌تا له‌گیرفانه‌کانی باخه‌لیه‌وه ده‌ست پین ده‌کات و دواتر گیرفانه‌کانی پشته‌وه‌ی پانتۆله‌که‌ی. ئه‌مانه‌ش بپرسن! من هه‌ستامه‌وه، چه‌رخه‌که‌م داگیرساند، چه‌رخه‌که‌ی من به‌گاز کارده‌کات. وینه‌ی ژنیکی پروتی قژ زه‌ردیشی له‌سه‌ره‌ شتیکی چاکه‌. راهینانیکی زۆرم کردبوو تا توانیم له‌هه‌مان جو له‌ی یه‌که‌م ئاگره‌که‌ له‌ژیر جگه‌ره‌که‌ی رابگرم. له‌کاتیکدا جگه‌ره‌که‌ی له‌سه‌ر لیوی سه‌مای ده‌کرد به‌ده‌ستی راستی ئاماژه‌ی کرد و گووتی: نا، سوپاس جگه‌ره‌ ده‌بیت به‌شقارته‌ دابگیرسیندریت و به‌ده‌سته‌که‌ی تری دووباره‌ ناو گیرفانه‌کانی گه‌را و دۆزیه‌وه. دواتر په‌رداخه‌که‌ی پر کرد و گووتی: به‌خۆشی. منیش په‌رداخه‌ ئاوچویه‌که‌م سه‌رپریژ کردبوو بلقه‌کانی ده‌رژایه‌ سه‌ر میزه‌که‌ به‌خۆشی ئه‌و خوارده‌وه.

به‌پریز س.م کاتیک له‌ریستورانته‌که‌ هاته‌ دهره‌وه‌ سواری ته‌کسه‌ک بوو. من هه‌رچه‌نده‌ هه‌ولمدا ته‌کسییه‌کی به‌تالم ده‌ست نه‌که‌وت. به‌پریز س.م تا ئیستا له‌گه‌ل هیچ ئافره‌تیک په‌یوه‌ندی شاراوهری نه‌بووه. هه‌لبه‌ت دوور نییه‌ له‌گه‌ل سۆزانیه‌کان هه‌ببووبی داهاپی له‌و مولکه‌ میراتیانه‌یه که‌ بو‌ی ماوه‌ته‌وه. ته‌نیا که‌سیکی وه‌کو ئه‌و ده‌توانیت سالیک به‌چوارسه‌ده‌زار و پینج سه‌د و بیست تمه‌ن بژی.

زۆربه‌ی کات بیده‌نگه‌. به‌تایبه‌ت ئه‌و سمیل و ریشه‌ ته‌نکه‌ی وا له‌ مروّف ده‌کات له‌بیری بچیته‌وه

که‌وا دهمیشی هه‌یه و من دلنایام ئەگەر جگهره‌ی نه‌کیشایه و جار جار په‌رداخه بیره‌کانی نه‌خواردبایه له یاداشته‌کانی سه‌ره‌تام دهمنووسی که: به‌رێز س.م. ده‌می نییه. وه ئیستا دوای ئەم هه‌موو هه‌ولانه که ئەم زانیارییه به‌نرخانه‌م به‌ده‌ست هیناوه شه‌رمه‌زاری ویزدانم نیم و ده‌توانم شانازی به‌خۆمه‌وه بکه‌م که توانیومه جاریکی تر دروستی راوبوچونی ئەم سه‌روکایه‌تییه به‌رێزه بسه‌لمینم.

به‌رێز س.م. ته‌مه‌نی چل ساله. هیچ نه‌خۆشیه‌کی سینکسی گواستراوه‌ی نه‌گرتوه. هه‌لبه‌ت ئەمانه له دۆسیه‌که‌یدا ئاماژه‌ی پێ کراوه. هیچ کات قژی دانه‌ینیت ده‌توانن بلین که به‌رێز س.م. هه‌ر به‌و ده‌سته‌ی که‌وا جار جار به‌سه‌ری دا ده‌هینی قژی چاک ده‌کات. زۆربه‌ی کات خۆل له‌سه‌ر شوشه‌ی چاویلکه‌که‌ی نیشته‌وه. ده‌سپ و ئەم شتانه‌ی پێ نیه. شه‌ویکیان بینیم پوو له دیواره‌که راوه‌ستا، من که به پێ ئەو هه‌موو رێگایه به‌دوای هاتبووم که‌ومه پیشیه‌وه و له‌ژێر دره‌خته‌کان، به‌رامبه‌ر میناتوری (جه‌مالی) وه‌ستام و به‌دزیه‌وه سه‌یرم کرد. کتیبه‌که له‌ژێر بالی بوو، ناسیاوه‌کانی سه‌ر شه‌قام به‌ته‌نیشتییدا تیپه‌ر ده‌بوون. به‌رێز س.م. چاویلکه‌که‌ی له‌چاوی کرده‌وه و شوشه‌که‌ی به‌بۆینباخه سووره‌که‌ی که‌ته‌نانه‌ت یه‌ک خالی سپی یان ره‌شی تیا نییه، پاک کرده‌وه. وه دوباره ده‌ستی کرده‌وه به‌رۆیشتن و که‌منی بینی سلّوی کرد. منیش به‌ناچاری سلّوم کرد.

گووتم: گه‌وره‌مان ناکه‌ن؟

گووتی: خزمه‌ت له‌منه‌وه.

گووتم: کاک س.م. کتیبی نوێ چی هه‌یه؟

شلّه‌ژا بوو. کتیبه‌که‌ی باخه‌لی به‌ده‌ستی گرت و نیشانه‌ی دام، گووتی: نوێ نیه، هی (دۆستۆفسکی) ه‌خۆ ده‌یناسیت؟ (تاوان وسزا).

گووتم: به‌لی ناوازه‌یه.

شلّه‌ژام. ئیمه هه‌رچۆنیک بیت ده‌بیت بخوینینه‌وه، ته‌نانه‌ت به‌زۆریش بیت. یان ده‌بیت لیستیک له‌کتیبه‌کانی جیهان به‌ناوی نووسه‌ره‌کانیانه‌وه ده‌رخ بکه‌ین، وه ئەگه‌ر بکریت هه‌ندیک له به‌شه‌کانی کتیبه‌که که‌وا سه‌رنج راکیشه ... ده‌بیت له‌پیرسته‌که‌دا نووسیبتیان که‌کام کتیب به‌سووده و کام کتیب زیانبه‌خش.

من ده‌لیم نابیت هیچ که‌سیک بیکار بیت ده‌بیت به‌جۆریک خه‌ریکی شتیک بن. ناتوانیت مرۆفی بیکار بناسیت. نازانیت بۆ کوئی برۆیت به‌شوینیا، ده‌بیت له‌کوئی پرسیار بکه‌یت، چۆن بزانی چ بیر و باوه‌رێکی هه‌یه. نابیت هیچ کاتیان بۆ به‌هلیته‌وه، به‌یانی و نیوه‌رۆ و شه‌ویش ده‌بیت به‌دۆسیه، هه‌ژماری بانکی، چاک کردنی په‌راو و ته‌نانه‌ت ده‌رس خویندن و تاقیکردنه‌وه و قستی به‌فرگر و په‌وره‌وه‌ی مندال سه‌رقالیان بکه‌یت. هه‌لبه‌ته گو‌فار و سینهما و قاوه‌خانه باشن، به‌لام ئەگه‌ر بیکار بیت ئەگه‌ر که‌سیک له‌به‌یانی تا ئیواره له‌ماله‌وه بمینیتته‌وه و ته‌نیا ئیواران بیته

دەر هوه و له گه‌ل بیست سی کهس ، له گه‌ل هەر کامیان دوو خولهک بوهستیت و دهرباره‌ی کهش و هه‌وا و دله‌کزه و ئالوده بوون به جگه‌ره و به‌دوور نییه دهرباره‌ی جهنگی (فیتنام) قسه بکات، چون دهری بزانیته کاری چیه؟ و ئایا کاتیک ده‌لیت: هه‌وا زور سارد بووه.

به‌راستی مه‌به‌ستی له هه‌وا ، کهش و هه‌وايه ؟ وه مه‌به‌ستی له سارد ، سارده؟ کهسیک که‌وا له فه‌رمانگه یان له پۆل وانه ده‌لیته‌وه یان ده‌خوینیت له کۆتاییدا خۆی ده‌نوینیت، ئاشکرای ده‌کات. به‌لام که‌سیکی بیکار.... به‌ریز س.م بیکاره . له‌گه‌ل که‌سیکی بیکار که ته‌نیا به شوسته‌ی شه‌قامدا تیده‌په‌ریت، بۆ نمونه ده‌چیته ریستورانته (سه‌عدی) له سه‌ره‌تای شه‌قامی (جامی) ته‌نیا ده‌توانی له‌و ریستورانته بیناسی و قسه‌ی له‌گه‌ل بکه‌یت و ئه‌گه‌ر بتوانین له‌و ساته‌ی که‌وا خه‌ریکه به‌شوین شقارته دا ده‌گه‌ریت چه‌رخه‌که له‌ژیر جگه‌ره‌که‌ی رابگرن (من ته‌نیا هه‌ر ئه‌و دوو شقارته‌یه و چه‌ند پاکه‌ته جگه‌ره‌یه‌ی هه‌فته‌کانی سه‌ره‌تام له هه‌ژماری خه‌رجیه‌کان ئاماژه پیکردووه).

بیگومان ده‌توانین له‌لایه‌وه بوهستین و لێی بپرسین: کاک س.م تو چون ده‌توانیت له به‌یانیه‌وه تا خۆرئاوا بوون خۆت له ماله‌وه زیندانی بکه‌یت؟ و ئه‌گه‌ر بتوانین له هه‌مان کات که جگه‌ره‌که‌ی ته‌واو ده‌بیت پاکه‌ته جگه‌ره بیانیه‌که‌ی له پیش رابگرن له‌وانه‌یه بتوانین وای لیکه‌ین قسه بکات. به‌ریز س.م جگه‌ره‌ی بیانی ناکیشیت ، ده‌لیت: نه ، نه ، سوپاس. من ته‌نیا (زه‌ر) ده‌کیشم و یان بۆنموونه بپرسین: « کام کتیب باشه؟ » و « کامیان توانیویه‌تی کاره‌ساته‌کانی هیتله‌ر بخاته‌روو؟ » و « چ که‌سیک هیتله‌ری گه‌یاند ده‌سه‌لات؟ »

به‌ریز س.م ده‌یگوت: هیتله‌ر هیچ نه‌بوو بپروا بکه‌ن. جا خو هه‌ر ئه‌ندامیک بوو ، ئه‌ندامیک که هیواش هیواش وا بیری کرده‌وه خۆی به‌هۆی هۆشیاری و نازانم چی گه‌یشتووه‌ته ده‌سه‌لات و یان خۆی ده‌توانیت بریار بدات که له‌گه‌ل کام و لات شه‌ر بکات و له‌گه‌ل کام و لات نا.... ، تۆماره ده‌نگیه‌که ته‌واو ببوو ، ریک له‌و شوینه‌ی که گه‌توگۆکه‌مان گه‌رم ببوو. منیش بیرم خواره‌وه دوو په‌رداخ له‌دوای یه‌ک . قسه‌کانی سه‌ره‌تای به‌ریز س.م گرینگ نه‌بوون به‌که‌لکی ئه‌وه نه‌ده‌هات له دۆسیه‌که‌دا بنوسریت سوور بوو له‌سه‌ر ئه‌وه‌ی من پیش دابنیم .

ده‌یگوت: له روخساری ئیوه دیت، لاوازی رومه‌ته‌کانت ده‌شاریته‌وه . هه‌میشه ده‌یویست خۆی جگه‌ره‌که‌ی من داگیرسینیت. ئه‌م ماوه‌یه وا راهاتووم کاتیک ده‌خۆمه‌وه یه‌ک دوو جگه‌ره‌ش له‌گه‌لی ده‌کیشم . زور تایبه‌ته.

رینگه‌ی نه‌دا من پارهی میزه‌که بده‌م، گووتی: نابیت. هه‌رکه‌س ده‌بیت هی خۆی بدات. ته‌نانه‌ت پینج ریالی لیم وه‌رگرت و له‌گه‌ل پینج ریاله‌که‌ی خۆی دای به خزمه‌تگوزاره‌که. پارهی ئه‌م خوارده‌وانه به‌خه‌رجی که‌سی ده‌ژمیرم. له‌دهره‌وه‌ی ریستورانته‌که هه‌رچه‌ند هه‌ولمدا که بیبه‌مه ماله‌وه ، نه‌هات. گووتی: نابیت ببه‌ زه‌حمه‌ت، ناکری.

دەستى لەناو دەستى گرتبوو و دەیگوشى، دەستى عارەقى كردبوو. چاویلکەكەى ھاتبوو سەر لووتى.

گوتم: بیگومان دەرۆن کتیبەكە تەواو دەكەن؟
گووتى: كى دەزانیت پیاو دەبیت بروات بە شوین کامیان دا ؟
گوتم: زۆر حەزم لیبە کتیبخانەكە تان ببینم .

گووتى: کتیبخانە؟ کتیبخانە یەك بوونى نیە. تەنیا چەند کتیبیکە، ئەو ھەش پەرش و بلاو. پیکەنى و گووتى: گەورەبیت نواند كە لەگەل من ھاوپیالە بوویت . گەورەت كردم. مائاواىی كرد و دووبارە سواری تەكسى بوو. ئەو شەو ئەگەرچى توانیم تەكسى پەیدا بكەم بەلام شۆفیرە نەزانەكە نەیتوانى تەكسىكەى ئەو بدۆزیتەو. ھەر ئەو شەو ئەمانەم نووسى.

بەریز س.م مرقۆئىكى راستگۆیە . خانووەكەى خانوئىكى كەسى(تایبەت) بوو.فەرمان بكەن لەدۆسیەكەى ھەرچى پێچەوانەى ئەمانە یە راست بكریتەو. كتیب بە ئەمانەت نادات، شەوان كەم دەخەویت . بەلام ئەگەر ھەموو ئەم تایبەتمەندیانە بۆ نەھیشتنى شوینەوار بیت چى؟ كۆمەلە دەمامك بىن بۆ شاردنەو ھەى ئەو ھەى لە ناخى مرقۆئىكى ترسناكدا دەگوزەرى؟ واتا رېك وەك ئەو چاویلکە و رېشە یان بۆینباخى سوور. ھەر ئەم گومانانە بوون ناچاریان كردم تا ھەنگاو بە ھەنگاو چاودىرى بكەم و كاتىك لەگەل ناسیاوھەكانى سەر شەقام قسە دەكات خیرا بگەمە ئەوى . دەمگوت: سلاوت لیبیت بەریز س.م .

سەیرى دەكرد لە پشت ئەو شوشە رەشانەى چاویلکەكەو و من دەمزانی كە چەند داماوە كە ناتوانیت دوو دوستى سەر شەقامى بەیەكتر بناسینیت. لەسەرخۆ دەیگوت: سلاو و تەوقەى دەكرد و تەواوى ئەو كاتەى سلاو و ھەوال پرسیم لیبى دەكرد دەستى دەگوشیم و من رادەوہەستام تا بەلكو ئەوان بەردەوام بىن لە قسە كردن. ناسیاوھەكە جار جار جگەرەپەكەى دادەگیرساند یان لەناو گیرفانەكانى بەدوای تەسبیح دا دەگەرا و دواتر لەناكاو دەیگوت: خوات لەگەل، كاك س.م. بەریز س.م دەستى منى بەردەدا و دەستى ئەوى دەگوشى ، و دواتر لەگەل من دەكەوتە رى. بێدەنگ دەبوو وە جار جار لە گوشەپەكەى چاویلکەكە یەو سەیرى دەكردم. من تا ئیستاش دلخۆشم كە توانیم بۆ چەند خولەك كیش بیت ئەو شكۆ و ھەلبەتە ساختەپەكەى بشكینن.

دەمگوت: « ئى كاك س.م ، چ كتیبىكى نویت خویندوو تەو؟ » « كاك س.م ئەمسال ناچیت بۆ (ئەراك) ؟ » . زۆر قسەى تر كە ھەموویان لە دۆسیەى ژمارە ۱۲۳۵۶/۹ دا تۆمار كراون. ئەم كارە لەگەل ھەموو كەسك ھەمان ئەنجامى دلخوازی نابیت. لەوانە یە كەسى بەرامبەر گومان بكات ، كە ئەم بیگانەپە، ئەم ناسیاوھەى سەر شەقام ، لەكۆئ ئەم ھەموو زانیارییەى دەربارەى ئەو دەست كەوتوو.

بەلام ئەمە بۆ بەریز س.م بە پێچەوانەو ھەیە. ھەرچەند ئەو زانیاریانەى كە دەربارەى ئەو دەیلێى زیاتر بیت، ھەول دەدات بە پیکەنین و دەست گوشین و جگەرەكەى، فەرماوشكارى و كەمى زانیارى

دەربارەى ئىوھ قەرەبوو بکاتەوھ. و پەيتا پەيتا بلیت: کاکى ئازین، کاکى ئازین... بەریز س.م لەو جوړه کهسانهیه که ناومان لى ناوہ کرمى کتیب یان ناوینشانى کتیب. زور حەزى لەوہیہ کتیبەکانى خاوین بن ، بى پەلە بن، بەرگیشیان چەرمى بیت. ھەر بۆیە ئەگەر شەویک برواتە مالهوہ و ببینیت بۆ نمونە قفلئ دەرگاکیان لى کردووہتەوہ و پەراوہکانیان شیناوندووہ، یان لەسەر رووی پەرەى زوریک لە کتیبەکانى شوین پەنجە بەجى ماوہ ، که ئەگەرى زیاترە، ئەوہ بە دلنیاپیہوہ تیکدەشکیت و یەک ھەفتەى تەواو ئیواران نایەتە دەروہ. ژنەکەى دراوسینان دەیگوت: لەوانە یە نەخۆش بیت ، قەوانەکە دانایر سینیت. که خورئاوا دەبیت ھەر لەسەر بان پیاسە دەکات و جگەرە دەکشیت...

ژنى دراوسى چى تر مل و گەردنى دەرنەدەخست. تەنیا ھەر ئەو دوو چاوہ پەشەى دەبیندرا . دەرگاکیە کەمیک کردبووہ . دەیگوت: پیموایە ئیستا لەمالەوہیہ. من کاریکم کردە بیانوو وە گووتم: « دواتر دەچمە خزمەتى » . پیموابوو ئەگەر برۆم بۆ مالەکەى بە دلنیاپیہوہ ھەست بە شتیک دەکات . ھەر بۆیە شەش شەوى تەواو لە کاتژمیر شەشى ئیوارەوہ لە ھەمان پیاوہرەوى شەقامى (چهار باغ) پیاسەم کرد تا لە کوتاییدا دەرکەوت. سلاوم کرد . بەلام بەریز س.م وەلامى نەدایەوہ . یان نەبیست . بە دەنگى بەرز گووتم: سلاوت لى بیت بەریز س.م.

تەنانەت سەریشى نەجولاند . ھەردوو دەستى خستبووہ ناو گیرفانى چاکەتەکە یەوہ و بە تاو دەپویشت.

بەدواى دا پویشتم . ناسیاوہکانى سەر شەقام بەلای دا تێپەر دەبوون و ھەرچەند بە دەنگى بەرز و بە پەرۆشەوہ سلاویان دەکرد بەلام ئەو وەلامى نەدەدایەوہ . ھەر بە ھەمان شیوہ دەپویشت. جگەرەکەى بە دەمیەوہ بوو ، کتیبەکەشى لەژیر بالئ بوو. لەوانەشە لەناو ئەو گیرفانە گەورانەى چاکەتەکەى بوو بى. ئەمەش پیرسن!

کاتیک بەریز س.م. چووہ ناو ریستورانئەکەوہ منیش پاکەتیک جگەرەم کرى و چوومە ژوورەوہ. شەش شەوى تەواو بیرە خواردنەوہ و جگەرە کیشان ، جا بى ئەوہى مرؤف ھاوزمانیکى لەگەل بیت کاریکى دژوارە . من نازانم بەریز س.م. چۆن ئەم ھەموو کاتە ... کاتیک چوومە ژوورەوہ بینیم لە پشت میزەکە دانیشتووہ ، ھەمان ئەو میزەى لای دیوارەکە.

لەسەر میزەکە نیو بتل قوڈکا و دوو ساردى و یەک قاپ کەباب ، نان، پەنیر و سەوزەى لیبوو. ماستیشى لى بوو. چوومە لای خزمەتگوزارەکە و گووتم پەرداخیک خواردنەوہ و ساردیەک بەینیت. من حەزم لە لوبیا نییە. بە دەنگى بەرز گووتم . بەریز س.م. تەماشای کرد، چاویلکەکەى خستبووہ سەر میزەکە. رەنگى گلینەى چاوى بەریز س.م. قاوہییەکی سەوز باوہ . چاویکی تارادەیەک خیلە. دوور نییە وینەگرەکە دەستکاری وینەى سەر دۆسیەکەى کردبیت . واباشترە وینەگرى فەرمانگە وینەى سەر دۆسیەکان بگریت .

گووتم: سلاوت لی بیت کاک س.م. مؤلەت ههیه دابنیشم.

گووتی: سلاو، کاکلی ئازیز.

تهوقه‌ی کرد ، دهستی ئاره‌قی کردبووه . کورسیه‌که‌ی هینایه پیشه‌وه و گووتی: تکا ده‌که‌م ،
فهرموو.

من ئەو شه‌وه ته‌واو سه‌رخۆش بووم . به‌لام باش له یادمه که به‌ریز س.م. پارهی میزه‌که‌ی
ژمارد .

پاره‌یه‌کی زۆری له گیرفانی ده‌رهینا بوو ، دوو تمه‌ن به‌خششی دا به خزمه‌تگوزاره‌که . که هاتینه
ده‌روه گووتی: پیتچۆنه پیاسه بکه‌ین ؟

له‌گه‌ل ئەوه‌ی باران ده‌باری ده‌ستمان کرد به‌رۆیشتن . به‌ریز س.م. به‌رده‌وام باسی له
سووده‌کانی ریش ئەویش ریشی پرۆفیسۆری ده‌کرد . ده‌یگووت : تاشینی چه‌ناگه کاریکی دژواره
که‌سینک که ده‌ستی ده‌له‌رزیت و به‌ئه‌گه‌ری زۆره‌وه هه‌موو رۆژیک چه‌ند شوینیکی چه‌ناگه‌ی
ده‌بریت ، ده‌بیت ریش دابنات.

باران به‌ لیزمه ده‌باری که گه‌یشتینه لای پردی سی سی (چه‌شمه) ، به‌ریز س.م. سوور بوو
له‌سه‌ر ئەوه‌ی که بجینه ناو یه‌کیک له ژووره‌کانه‌وه. من خۆم به‌پیوه رانه‌ده‌گرت. پینموابیت به‌ریز
س.م. قۆلمی گرتبوو. گووتم: من ده‌بیت برۆم . یان نه‌مگوت ، به‌لام ویستم وا بلیم . به‌لام له‌گه‌ل
ئوه‌شدا هه‌ر به‌رده‌وام بووین له‌رۆیشتن. پاسه‌وانی ئیشکگر له‌و ده‌ورو به‌ره‌نه‌بوو. له‌ راستیدا
من نه‌ترسام، یان ترسام و له‌ یادم نییه. به‌ دنیاییه‌وه شتانیکمان گووتوه که له‌یادم نییه. به‌لام
له‌ یادمه که چه‌ند جاریک ده‌ستی گووشیم و ته‌نانه‌ت ماچیکی روخسارمی کرد. به‌رده‌وام
ده‌یگووت: دۆستی من ، دۆستی من...

بارانه‌که زۆر توند ببوو ، به‌ شیوه‌یه‌ک که ئیمه ، من و به‌ریز س.م. ته‌نیا گویمان له‌ ده‌نگی
شه‌پۆله‌کان بوو که له‌و خواره‌وه، به‌سه‌ر رووی تاشه به‌رده‌کانی ژیر پرده‌که تیپه‌ر ده‌بوون.
جاروبار وینه‌ی چه‌ند چرایه‌کی ئەو دوورانه له‌ ئاوه‌که‌دا ده‌بیندرا. کاتی‌ک هه‌ستاینه‌وه ، گووتم:
پیت چۆنه خۆمان هه‌لده‌ینه خواره‌وه و ته‌واو بین؟

گووتی: هاو‌رام ، به‌لام مؤلەت بده لایه‌نی که‌م ئەم جگه‌ره‌یه

جگه‌ره‌که‌ی تازه داگیرساند بوو. باش له‌بیرمه به‌ دریزایی هه‌موو ژووره‌کان دا رۆیشتین . من
چه‌ندین جار سه‌رم کیشا به‌ (هیلال) ه‌کاندا، که گه‌یشتینه بن به‌سته‌که، به‌ریز س.م. گووتی: با
برۆینه ناو ریره‌وه‌که.

بارانه‌که به‌تاوتر ده‌باری ، بیگومان که گه‌یشتینه کۆتایی پرده‌که جگه‌ره‌که‌ی به‌ریز س.م. ته‌واو
بوو.

جگه‌ره‌یه‌کی بۆ راگرتم ، دانه‌یه‌کیشی خسته سه‌ر لیوی، که شقارته‌که‌ی داگیرساند کوژایه‌وه، ئەو
کات چاکه‌ته‌که‌ی له‌به‌ر کرده‌وه و دای به‌سه‌ری هه‌ردوو‌کمان دا و شقارته‌که‌ی داگیرساند. منیش

ناسنامه که م ده رهینا و له به رده می رامگرت و گووتم یان هیچم نه گوت ته نیا له ژیر چراکه ی ئه و بهری پرده که روو به رووی رامگرت.

به ریز س.م. سهیری کرد و به دهنگی به رز خویندییه وه. منیش گویم بو ی راگرت. ناوی خو م بوو به ناساندنی ته واوه وه له گه ل چوار به سینه و سمیلکی ته نک. وینه ی سهر ناسنامه که ی من هی ده سال له مه و پیشه . دلنیام که وا به ریز س.م. ته نانه ت بزهی نه کرد ، به لام نازانم کاتیک که دهی خوینده وه چاویله که که ی له چاو بووه یان نا. سهره تا ته و قه ی له گه ل کردم . دواتر دهستی هینا به یه خه ی چاکه ته ی خو ی و دواتر به یه خه ی چاکه ته که ی مندا و ته نانه ت به یه خه ی ئه و چاکه ته ی که وا له سهر سه رمان بوو باران ته واو ته ری کرد بوو، (قولا به) که ی منی به و یه خه ی وه کرد که له لای خو یه وه بوو، ئه وکات هه ردوو کمان له ژیر ئه و چاکه ته و له ژیر ئه و بارانه ، له لای روو باره که پیاسه مان کرد و گورانیمان ووت. دهنگی به ریز س.م. خراب نییه. سهره تا ئه و گورانی گووت و دواتر هه ردوو کمان پیکه وه. هه ر ئه مه مان دوو باره ده کرده وه: « وهره با بچین مه ی بخوینه وه، هه ر بخوینه وه، بخوینه وه.» و له ژیر باراندا ده رویشترین. دهستی ئه و له سهر شانی من بوو دهستی منیش له سهر شانی ئه و بوو.

پاسه وانی ئیشگر پایسکیله که ی به دهسته وه بوو، هات بو لامان و گووتی: به ریزان، به م کاته ی شه و...؟

به ریز س.م. گووتی: فه رموون و دهستی کرد به رویشتن، پاسه وانه کان پایسکیله که ی لای دره خته که دانا و هات. هیچی نه مابوو بگه یه لای چراکه . کاتیک پاسه وانه که گه یشت به ریز س.م. ئاماژه ی بو ناسنامه که ی من کرد، ته نیا ئاماژه، هیچ قسه ی نه کرد. ته نانه ت ئاماژه یه کی بو من نه کرد. پاسه وانه که چه مایه وه، هاوکات دلۆپه ی باران له نووکی کلاوه که ی ده چورا ، بی ووچان سلأوی سه ربازی کرد و گووتی: داوای لیبوردن ده که م، ببورن.

پشتاویشت به ره و لای پایسکیله که ی گه رایه وه و سه رکه وته سه ری و رویشتن. به ریز س.م. هیشتا به و دهسته ی یه خه ی چاکه ته که ی منی گرتبوو خه ریک بوو ناسنامه که ی منی به پاسه وانه که نیشان دها که وا ئیستا دوور که وتبوه وه .

دواتر سواری ته کسی بووین . چاکه ته که له سهر دهستی به ریز س.م. بوو. من نازانم که ئایا ئیمه رویشترین بو هه مان شوین که ئه و هه موو شه ویک له دوا ی خواردنه وه ده رویشتن یان نا. که له ته کسیه که هاتینه خواره وه ، چاویله که که ی خسته سه ر چاوی من ، گووتی: به که لکی ئیوه دیت، له وانه یه بو ت بیته به رپر سیاریتی، هیچ که س من نانا سیت. به لام من دلنیام که ئه ویان ده ناسی ، له به ره ئه وه ی تا له ده رگای دا و بانگی کرد: ماموستا !

ده رگا که یان کرده وه. پاره ویکی دوور و دریژی باریک بوو ، دواتر ژوریک که مه قاله یه کی... روونکردنه وه ی زیاتر سویدیکی ئه وتوی نییه. من ئه و شه وه دهسته یه کم کیشا . هه لبه ته به ریز

س.م. فووی تیده کرد و پهیتا پهیتا دوباره ی ده کرده وه : لوتت بگره، گیانه که م ، دوکه له کان به فیرو ده چن.

خوشی کیشای یان نا، له یادم نیه ، هرچه ند ویستم ته کسبیه که سهره تا ئه و بگه یه نیته ماله وه ، قبولی نه کرد و گووتی: نابیت ، گیانه که م ، ناکریت.

منی گه یانده وه . من ئه و شه وه تا دهمه و به یانی به خه بهر بووم . به وری و وه پره زی ئه و که له و وینه رهنگا و پهنگی که له زهیندا تیپه ر ده بوو. وادیاره به یانی خه وم لیکه وت. تا نیوه رو خه وتم و که دوا ی نیوه رو توانیم بیمه دهره وه ، زانیم که وا ناسنامه (په هله وی) یه که ی به ریز س.م. لای من جیماوه چاویلکه که ی به ریز س.م. م له چاو کرد. به راستی ئه م ریش تاشینه ش زحمه ته . ئه و روژه دوانیوه رو ئه وهنده دهستم له رزی ، له دوو جیگاوه چه ناگه م بری. به ته کسی رویشتم بو ماله که یان. له دهرگای ماله که ایم دا. ژنه دراوسیکه ی گووتی: پیمو ابیت چووه ته دهره وه.

من دنیا بووم که نه رویشتووه و له ماله وه یه و نایه ویت و هلام بداته وه ، یان خه وتووه، هر له وی مامه وه. دواتر گووتم و اباشتره سه ریک له رپستوران تی سه عدی بدم . خورنابوون لای دابوو ، پیمو ابیت کاتژمیر تو بوو . (باران) گووتی: بهر له هاتنی ئیوه رویشتم.

له لای رووباره که ش نه بوو و من به و هه موو گیتزییه وه توانیم ئه و خانووه ساده یه بدوزمه وه ، هه لبت چاویلکه که ی به ریز س.م. م خستبووه سه ر چاوم گووتم: ماموستا! .

دهرگا که یان کرده وه و من دووباره چه ند دهسته یه کم کیشا . ئه مانه به خه رچی که سی هه ژمار ده که م.

خاوه ن دوکانه که فووی تیده کرد. سه باره ت به دوکه له که قسه ی نه کرد، به لام گووتی: به ریز س.م. بهر له هاتنی ئیوه رویشتم.

ده زانم له گه ل ئه م هه موو باشییه ی دهره ق به بهنده نواندووتانه بیگومان چاوپوشی له م هه لانه ناکه ن که وا له م یاداشته ده نووسراون . منیش خوم به تاوان بار ده زانم . به لام بروا بکه ن تا ئیستاش نازانم بوچی پینیارم بو به ریز س.م. کرد خومان بکوژین و ته واو. له وانیه ره فتاره کانی ئه و شه وه به هوی ئه و که شه باراناوییه وه بووبی، دهنگی ئاوی رووباره که و مه ودای نیوان ئیمه و به رده لانی ژیر پرده که، و ته نیایی هه ردوو کمان له ناو ئه و ژوره و یان پالنه ری سه ره کی ئه م چاویلکه ره شه یه که به ریز س.م. له پشتیه وه هه شار دراوه . کاتیک یه کیک چاوه کانی نه بیند ریت ، خه لکی ببینیت و وایبرکاته وه ئه و نابین ، جا که سیکی وه کو به ریز س.م. که دوا ی یه ک هه فته دهرکه ویته وه، بیگومان هه زی لیه کاریک بکات که تا ئیستا نه یکردووه. شتیک بکات جیاواز له م راکه راکه .

تازه ئیتر ئه و ناسنامه یه ...، من که خوم نابوورم. به لام ریک وه کو ئه وه و ابوو مروف ناسنامه که ی نیشانی خوی بدات، یان خوی له ناو ئاوینه ببینیت و زور به ساکاری قژی دابینیت یان نا. بو ناسنامه که ش خه متان نه بیت ، چونکه سه به ی شه و کاتژمیر شه ش به ریز س.م. م له

سەر شوۆستهی (چهار باغ) بینی . وهکو هه‌میشه به‌دهم پویشتنه‌وه جگه‌ره‌ی ده‌کیشا و چاویلکه پشه‌که‌ی له چاو بوو، بوینباخه‌که‌ی سوور بوو و پیل‌وه‌کانی بۆیه نه‌کرا‌بوون و هیلکی نویش بۆ دوو هیلکه‌ی سەر پانتۆله‌که‌ی زیاد ببوو. چاکه‌ته‌که‌شی به‌دهسته‌وه بوو. سلاوی کرد له‌گه‌ل ئه‌وه‌ی چاویلکه‌ی پشه‌له‌چاو بوو منی ناسیه‌وه. ته‌نانه‌ت چه‌ندین جار ناوی هیتام. دواتر ده‌ستی خسته‌گیرفانیه‌وه و ده‌ستی کرد به‌گه‌ران ، من چاویلکه‌که‌م لابرد و گووتی: فه‌رموو. به‌رگیکی پلاستیکی بۆ ناسنامه‌که‌ دروست کردبوو تا جاریکی تر له‌ژیر باران ته‌ر نه‌بیت. ژماره‌ی سەر ناسنامه‌که‌م به‌ته‌واوی سرا‌بووه‌وه. به‌پریز س.م ، گووتی: چاویلکه‌که‌ با لای خۆتان بیت ، دیارییه، شایه‌نی ئیوه‌ی نیه.

دواتر پیکه‌وه پویشتین بۆ ریستۆرانتی سه‌عدی و به‌پیه‌وه‌ستاین و خواردمانه‌وه، دواتر پویشتین بۆ دوکانه‌که‌. به‌پریز س.م. ده‌یگووت: هیچ کام له‌ بوینباخه‌کانت له‌ جله‌کانت ناوه‌شیتته‌وه. منیش گووتم که بوینباخه‌ی به‌پریز س.م. له‌ قاته‌که‌ی ناوه‌شیتته‌وه، ته‌نانه‌ت هاوارم کرد. لی‌ره‌وه دانیایی ده‌ده‌مه‌ ئه‌م پیگه‌ به‌رزه‌که‌وا هه‌رگیزا و هه‌رگیز ئاماده‌ نیم بوینباخه‌که‌ی به‌پریز س.م. به‌ستم که سووره، یه‌کپارچه‌ سووره، که نه‌ خالیکی سپی یان پشه‌ ته‌نانه‌ت هیلکیشی له‌سەر نییه.

- منابع و مأخذ

- گلشیری، هوشنگ (۱۳۸۰) نیمه تاریک ماه، چاپ اول، تهران : انتشارات نیلوفر.
- فرهنگ هژیر
- لغتنامه دهخدا
- فرهنگ لغت

- <https://abadis.ir/fatofa/%D9%84%DB%8C%D9%84>
- <https://fidibo.com/books/author/%D9%87%D9%88%D8%B4%D9%86%DA%AF-%DA%AF%D9%84%D8%B4%DB%8C%D8%B1%DB%8C>
- <https://abadis.ir/fatofa/%D9%84%DB%8C%D9%84>
- https://www.wikiadabiat.net/index.php/%D9%87%D9%88%D8%B4%86%DA%AF_%DA%AF%D9%84%D8%B4%DB%8C%D8%B1%DB%8C#.D8.B4.D8.AE.D8.B5.DB.8C.D8.AA_.D9.88_.D8.A7.D9.86.D8.AF.DB.8C.D8.B4.D9.87
- <https://revayaat.blogspot.com/1394/07/08/post-57/%D9%86%D9%82%D8%AF-%D8%AF%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%DA%86%D9%86%D8%A7%D8%B1-%D8%A7%D8%AB%D8%B1-%D9%87%D9%88%D8%B4%D9%86%DA%AF-%D9%84%D8%B4%DB%8C%D8%B1%DB%8C>
- <http://www.mimfe.blogfa.com/1390/02>
- <http://kafe-ketab.com/product/%D9%86%DB%8C%D9%85%D9%87-%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%DA%A9-%D9%85%D8%A7%D9%87/>